

# حقیقت

شماره ۱۴۴۴، ۱۷ خرداد ۱۳۶۰

یاد شهدای قیام

## ۱۵ خرداد

امروز ملت ایران باید همتیارانه  
پیام ضد استبدادی و ضد استعماری  
شهدای ۱۵ خرداد را بجان گیرند  
و ملت محکم خود را بر دهان  
مستبدان و وطن فروشان و خائسین  
بکوبند!

مبارزان راه آزادی و استقلال

گرامی باد!

سرمقاله

آقای خمینی!

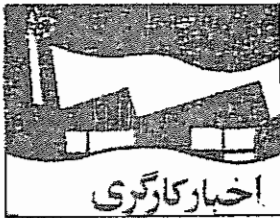
# قضیه اسلام نیست، قضیه تجدید بساط سابق و نوگری ابر قدرت هاست!



بیرسکه ما این تفصل تفاوت  
شان روش شما و روش آن آدم  
منعی معدوم، کده در سال ۱۳۵۳  
کفنه بود هرکس با سلطنت و  
نانون امای کذابی مخالفت  
دارد مستواند کدرنا مدهاش را  
بگردونه اروپا یا چرا کوه  
خواست برود، حدیسا...؟  
نمیجه، آن نیندید خودکا ماشه  
آن آدم، که تصور میکرد که اسن  
کتور ملک طلق اوست، چه بود که  
حالا اشان بزور میگویند  
تاریخ را تکرار کنند.

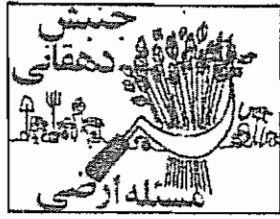
اما مجلسی در سراسر ای  
احرف خونی در جمع نمایندگان  
مجلس ارشتم جنبه ای را  
بر زمان آورد، که هوا برای  
رد گنده ای را بی اختیار  
با نیت بد معروف محمد زمانه  
در میان اعلام حرب رسانا  
در سال ۱۳۵۳، انداخت. او  
مخالفت فراینده آزادی  
خواهان و مردم را با لواط  
ارتجاعی و تحمیلی مجلس و

دولت طوق متمول چه مخالفت  
با اسلام تصور کرده و خطاب به  
مجلس گفت: "شما اگر با  
اسلام بدد خوب تریست سر  
اروپا و آمریکا و چرا کده دلشان  
می خواهد... عبارت دیگر  
هرکس با این دولت و مجلس  
دستندی بفال ما سا، حاکم  
مخالفتی دارد، این وطن دیگر  
وطنی نیست و ارا سن کتور باید  
شریفش را ببرد. با انداز ما م



اخبار کارگری

۲-۱۵



مسئله ارضی

۱۶-۱۵

### 'لاله ها بیدارند'

اما...  
فدائیان اکثریت نیاید  
روپزیو نیسم میبگارد  
صفحه ۲۶

## ۴۰ روز از درگذشت رفیق منوچهر بهادری گذشت

صفحه ۶

يك شگرد دیگر... نکته!

صفحه ۲۳

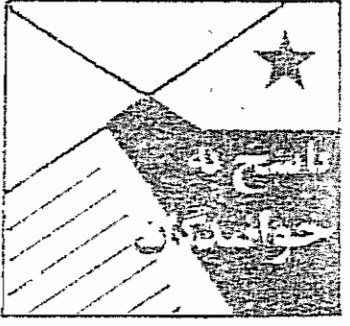
صفحه ۱۷

اخبار اصفهان

اخبار کردستان

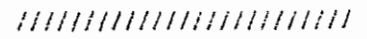
صفحه ۱۹

صفحه ۲۰



صفحه ۲۲

سرمقاله



و هیچ شرونی حق ندارد به مردم بگوید در خانه خودشان ساو. البته شما از نظر خودتان حق دارید بگوئید "ملت ما اسلام است". بر فرض که اینطور باشد، ولی از این حکم بعنوان سجدگرت که پس کور هم مال اسلام است، کشور مال ملت است و ملت هم هر طوری که میل داشته باشد در آن زندگی کی خواهد کرد، جدا از اسلام باشد و چه فردا یا چیز دیگری باشد. تا ملتی هست کشوری هم هست، ولی مسخود گفت تا اسلام هم هست کشور هم هست. می شود اسلام نباشد ولی کشور باشد، ملت هم باشد، ولی اگر ملتی نباشد قطعاً کشور هم نیست. پس کشور شیخ ملت است نه شیخ هیج مکتب و مسلکی و مذحبی. آرمانش شد و دیدیم که کشور شیخ سلطنت و کذا هم، که از فرار هر کس مخالف آن بود نباید ترک تا سمیت میگرد، بود. آن رفت و کشور ما نبود. حالا ساز هم اگر امام میخواهد، میتواند آن را بشکند و ببیند، که این یکی هم میتواند سرود و ساز کشور بجا ندولت هم بماند. شما خواهید دید که فردا در حدای که مردم آگاهی و سحردهان را از رود و متوجه مسا و منبر و مرنهای مسا کمونیستیا سوت بگویند مسا گریسم هه خواهدند. آتونس تا غنا با دشمنان سار بگره نیکه ملت کمونیسم است و هر کس با کمونیست باشد مساوار رود تا روسا و آمریکا تا سحر و هر جا که سل

دارد! به همان درجه ای که نحاق دارد با مروزا نس حرف را بر ندا هم حق داریم بزدا همین حرف را تحویل شما دهیم. ولی ما کمونیستها چنین حرفهایی را کداز درون دربارهای خود کا مدبسون ما بدهرگز نخواهیم زد، زیرا کشور آن مردم است، کمونیسم هم از آن مردم خواهد بود.

ارتجاعی احزاب، بودجه و ثنای و بعد هم تا عدتا حساب، مستاران خارجی و غیره مخالفند. با قرار داد و تعهد دادن به ابر قدرتها و بذل و بخشش بیش از ۵ میلیارد دلار از مال ملت به آمریکا و آوردن مستشاران و کارشناسان اقتصادی و نظامی از خارجه که حضرات شورای نگهبان آنرا مطلقیت

کشور مال ملت است و ملت هم هر طور که میل داشته باشد در آن زندگی خواهد کرد، چه امروز یا اسلام باشد و چه فردا یا چیز دیگری باشد. . . . آزمونش شد و دیدیم که کشور تبسع سلطنت و کذا هم، که از قرا ره رکن مخالف آن بود باید ترک تا تبعیت می کرد، نبیود. آن رفت و کشور ما نبود. حالا با زهم اگر امام میخواهد، میتواند آن را بشکند و ببیند که این یکی هم میتواند برود و با ز کشور بماند و ملت هم بماند.

اما نکته مهم در سخنرانی امام در جمع نمایندگان مجلس، گذشته با در تاشد و حمایت از دولت و مجلس و سیاستهای مرتجعانه و خامن بران حزب حاکم بود، خلط سخنان بود. امروز اکثریت قاطع نوده های مردم ایران با این دولت و مجلس و کلیه سیاستها و عملکردهای آنها مخالفند! با حزب بهشتی ها و آت ها و رسنجانی مسا مخالفند! با سورا بعللی نمائی و سنا دگاهائی که زندانها را از طاغوتی ها خالی و ارواح ان انقلابی کور بر میگردد و ما اسلام نکند، مهندوست و با نطق میکنند، مخالفند! با قسری مسا و نداده بندیهای حیوانی ملایان مرتجع و اوسسان چنانی دست مخالفند! بالا بده

داشته اند مخالفند! با وطن فروشی آنانان نسوی و رحائی و سرادران حربی شان مخالفند. خلاصه انوه مردم حاضر به تسلیم به حاکمیت زورگویان، خائنین به کشور و تجدید ساط استعداد نام مذهب و سلطنت بنا م ولایت نیستند و در ایساره جدا هنیاری نشان مدهند.

بنا بر این دعوائی که امروز در جامعه میان دو صف بندی کم و بیش روشن (در سکر طرف مردم و کروهیا و عناصر متعبد و آزاد بخواد از جمله ما کمونیستها و در سوی دیگر مثنی مارکسگور سده و خائنین مردم و انقلابان و بوگران آمریکا و سوری منگند است) حریان دارد، معلوم است برر چیست. سرر حفظ آزادی و استقلال کنورویان دادن سد

استبداد و بردگی ملی است. حتی امروز دیگر با شکست گنده دعوا بر سر شما میت ارضی کنور حفظ چهار دیواری کشور هم هست! چه طایفه، زوز کسوی مغلظه بازی که سنا م اسلام و مکتب و کذا سعی دارد خود را به مردم بمقبولاند و قدرت غصبی خود را کم ترش و تحکیم بخشد که مسا حافظ است حتی سرر خورستان با نخواستگان و اربابانان کنا ربیا بدوا کرد دستش سرسد مانند تشنه گروگانهای جاسوس در فتنه جنگ هم خباثت خواهند کرد.

دعوا بر سر استنهاست. ولی امام طی سخنان حساسان و انموده سخوادید که سحر، دعوا بر سر اسلام و سنا سلام است، بر سر قبول با ضرر روحا سمیت است. ایشان خودشان دعوائی مذهب راه میاندازد تا دعوائی اصلی، دعوائی واقعی موجود، دعوائی که میلیونها انسان به خاطر آن خود را بد آتش زده و خون داده اند، در برده سنا ند و توده کوجه و سنا زار در آن دخالت نکنند. البته مسئله اسلام و غیرا سلام و سنا سلام هم هست، مسئله روحا سمیت و جا بجا ه و نفش آنهم هست. اینها سخای خود، ولی جوهر مسئله، اساس فتنه، اینها نیست. نفرت مردم از رئیس دیوانعالی کشور با طران نیست که اسن شخص آخوند است، هر که میخواهد باشد. نفرت مردم از این است که این شخص دزد و قا صب است، مال مردم خور و وطن فروش است، شیاد و زورگواست، حال اگر بنظر امام آخوندیعیی همین! آخوندیعیی سال به پرت و زورگور و طرفداران زورگور با ابر قدرتها، در این صورت مردم از آخونده سخنرند، و اکثر امروز نباشند فردا خواهد بود. دولت آقباان رحائی و نسوی و اربابان حربیستان دولت مردمی، خائنین بد انقلاب و کشور است. دولت قرار داد و زدوبند با آمریکا و روس (مشهد در صفحه ۳)

## سرمقاله بقیه از صفحه ۲

وانگلیس است و علت اساسی نفرت روزافزون مردم هم از این دولت سیمین دلایل است. حال اگر این دولت و هوادارانش میگویند این دولت دولت مکتبی است، و امام هم تاکید میکند که "مکتبی یعنی اسلامی" و آنکه مکتبی را سحره میکند اسلام را سحره میکند و در نتیجه هر کس با لوائح ضد ملی و ارتعاعی این دولت و مجلس هوادار این دولت مخالفت کند "مفسد طی الارض" است و "مرتد فطری" است و زنش بر او حرام است بابت هم با بدبختی او داده شود خودش هم با بدبختی باشد در این صورت باید گفت: این مکتب و این اسلامی که اینطور کستا خانه آرید خواهان و عاقدان قرارداد های ضد ملی و لوائح ضد ملی حاکم است میکنند و آنرا را توجیه و تائید و تکریم میکنند خودشان مفسدان آن مکتب و اسلامی که دولتش ۵ میلیارد دلار از مال ملت ایران را بدستداران آمریکائی می بخشد و سبیل سرمایه داران انگلیسی را با یک قرارداد بیک میلیاردی بوی جذب میکند، و چند قرارداد دیگر هم از این نوع در جیب دارد و بعد مجلس شورای ملی هم همه اینها را تائید و تصویب میکند، مکتب و اسلام آمریکائی است، مکتب و اسلام مرتد است، انقلاب و مردم و کشور است، آن مکتبی و اسلامی که حواسان کشور را سحره و تخریب کرده و با

مخالفت با سیاستهای هیئت حاکمه بیزندان بیان ندارد و شکنجه دهد و روی بدن های لختان با آتش سگار " درود بر بهشتی" بنویسد و وسط لایحه، قاص انکت و دست قطع کند و برای کشتار انقلابیون کمینده و ویژه ای بر نظر جناب بیژاد نسوی تشکیل دهد، مکتب و اسلام محمدرضا تا هی است، مکتب و اسلام حاجی و بلبلیم

میزان نیست، مجلس و شورای کذائی اکثرای داد یعنی چه؟ رای بدجه داد؟ اکثرای را به قانونی دادند که حکام مبرع با نند دوره، آغا محمد خان قاجار میتوا شد چشم در آورند و کوش برند و با بخا طریلند کردن چند دانه کوشواره از فلان هوا هر ترورش انکت قطع کنند، در حالیکه نمایان مداران سازمان اقتصاد اسلامی در همین مجلس

خودا ما هم با وجود آنکه با اصرار میگویید بن بستنی در کار نیست... میداند که خود ایشان و مملکت اسلام ایشان هم در بن بست است؛ و الا دائما مجبور نبودند خود و اطرافیان نشان را در همین سخنرانی از "خطر انفجار" و "فناهی همگی" بترسانند و بگویند... "بترسید که ممکن است یکی از ایام الهه خدای نخواسته با ز پیدا بشود و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن قضیه این است که فاتحه همه ما را میخوانند" "خطر انفجار" و "پیدا شدن یکی از ایام الهه" که ممکن است فاتحه همه شما را بخوانند، دقیقاً یعنی بن بست...

دولت بر سرای دهندگان شمشیر خراب کرد، با پدیده های رای دهندگان نابکار و وطن فروشی بیرون کشوند، در چنین مجلسی را باید کجیل گرفت، اما مدرسا سرخروا نیش برای نمایندگان مجلس از روی مسائل اعلی می سرد و غلط مبحث میکند، مردم دانسان از حسابات حزب حاکم و سران نهاد انقلابی و خاش آن، اردو ملی که به بحران و بدبختی امتحان دی و اخساق سیاسی در کشور دان من میزند، از رای های ترو و وسطائی و کنور بری داده؛ مجلس و شورای نیکبان بقول ایشان اسلامی در آمده است، ولی ایشان دانشمدرس "ترکبه نفس" و "سرتسلیم مرود آورده" به اسلام" و ضرورت تبعیت از "رای اکثریت" میدهند، مردم میگویند این بوده و قرار دادها و لوائحی که مجلس پی در پی تصویب میکند خائنانه انقلاب و کشور است، ولی ایشان بجای اعلام موضع روشن درباره این بوده و قراردادها و لوائح در برابر مردم از مقام مومر لست مجلس و ضرورت تبعیت از رای اکثریت" بطور کلی و با طول و تفصیل صحبت میکنند و میگویند "سرتسلیم به مجلس یعنی سرتسلیم به اسلام"، حیرت بر تسلیم به این مجلس یعنی سر تسلیم به بودجه، نفتی و قرار دادهای کشور بری داده به انگلستان و آلمان غربی و آمریکا؛ یعنی سرتسلیم به آنها مداران کردن کلمت سازمان اقتصاد اسلامی که میلیاردها تومان از خزانه کشور را از طریق ورود احساس خارجی به کشور و در هم کوبیدن تولید داخلی به جیب زده اند؛ یعنی سرتسلیم به قواست یعنی قضائی (قصاص) با دنا هسان خونخوار آثورو با سل و ایران و روم دوران برده داری و خلفای اجوی و تناسی و منول و سلاحد، مردم میگویند ما سرتسلیم به همکاران حسابی در (بقیه در صفحه ۳)

آسیبی است، مکتب و اسلام ملک حال در عربستان و ضاء الحق با کسانی است، اگر مکتبی یعنی اسلامی و اسلامی هم یعنی حکومت جماعتی و قرارداد، حکومت لایحه؛ قاص و بودجه، تعذیبی و معامله با شرکت تالیف و انگلیسی و کروب آلمانسی و بانکداران آمریکا و بینجل - فروش رؤیایی، پس در این صورت این مکتب و اسلام بر سر هوادارانت خراب کرده؛ و خراب خواهد شد، برخلاف گفته، اما مکتب میگوید "مجلس اکثرای داد و شورای نیکبان هم آن رای را بدعت است، هیچکس حق ندارد یک کلمه در احع نداس نکوند، رای مجلس و شورای نیکبان و هیچ ارکان دیگری خودی خود

و دولت چند صد هزار اسراییلی آن چند دانه انگشتر را از خزانه و بودجه، کشور با لامیکند و بعد از قاص و قضا دم میزنند، ساز هم با بدیک کلمه حرف نزد؟ اگر این مجلس و شورای برداخت میلیاردها دلار پول مردم را با ست قروض خاندان پهلوی و عوام مل رژیم منحوس ساسق و حتی مخارج قرض گرفته شده؛ یک و کربه و عیاشی های اترف پهلوی در خارجه به بانکداران آمریکا و غیره آمریکا نی تصویب کنند و برای به قرارداد های ضد ملی با کروب و نالوت و نیلاد مونتور و غسره و غسره بدهد، ما هم با بدیک کلمه حرف نزد؟ حیرت! حرف که سبیل است ما بدفربا درد، ما به داد و سداد کرد، ما بدعبل کرد، ما بد این مجلس و شورای را با کبوس و



# گزارشی از مسجد سلیمان روز کارگر

کارگران این شهر که از داشتن شورا های واقعی محرومند از عدم تشکل برخوردارند و سال گذشته تاخت و تازهای مستندانده حرب حلی زودشورا های جوان کارگری را که نازه در آغاز کار رسیده اند از زیر بردولدا برای سرگزاری روز جهانی کارگر کارگران از تشکیلات لازم برای سرگزاری مراسم محروم بودند. در طی مسازات صنفی که کارگران حضاری علیه مسئولین امور و مخصوص توطئه های فدکارگری نماسی داشته اند برخی کارگران آگاه و بعنوان سماندگان کارگران مشهور شده اند و می شود گفت که کارگران حفاری از یک حداقل تشکل برخوردار بودند. کارکنان شرکت نفت که از شورای نمایندگان واقعی محرومند، در مسازات بحقیقتان علیه توطئه های فدکارگری مسئولین حزبی و نسائی کشف و عاملینتی در این اواخر از پشتیبانی انجمن اسلامی صنعت نفت برخوردار شده اند و میتوان گفت نسبت به این انجمن که در مجموع از عناصری آزاد میخواه و استقلال طلب مسلمان تشکیل شده است، اعتماد پیدا کرده اند. کارکنان موسسات دیگر مانند کارگران تانگ سازی ارنس و شهرداری که کاملاً پراکنده اند و پرسیزیون از هر گونه تشکل و داشتن نماینده محرومند، انجمن اسلامی شرکت نفت و نمایندگان حفاری وعده ای از کارکنان دیگر موسسات مانند نیروگاه سد، که در صدد بزرگداشت این روز کارگری بودند تصمیم گرفتند که مستقل از هر حزب و گروهی با شعارهایی کذباً نکر خواسته های اکثریت کارگران است و با انقلاب ایران مطابقت دارد در این روز سه راهیهای سیردازند و این نظرمورد حمان جمع کثیری از بقیه کارگران و بعضی محلات شهر قرار گرفت. هنوز اولین بحث های نشست مشترک کارگران بدیابان نرسیده بود که توطئه گری های حزب ملعون و مستبد خاشی به انقلاب شروع شد. آخر مکر حزب جمهوری میتوانست تحمل کند که کارگران مستقل از حزب ملعون حرکت کنند؟ جناب ربانی امام جمعه (که بی عفتی اش در "صیفه کردنیهای" متعددش در گمراهی دختران جوان این روزها بر سر زبانهاست) از نمایندگان کارگران میخواهد که روز کارگر و روز مطهری با هم باشد و "روحانیت مبارز" (منظور خود ایشان و هم حزبی های ایشان) و سیاه پاداران هم در برگزاری مراسم کارگران باشند و قطعاً بهای هم قرائت کنند. جناب ربانی که میدانست اگر مراسم کارگران سرگزار شود از پشتیبانی و سبب برخوردار خواهد شد و در عوض در مراسم حزبی ها از کارگر جداست خیری نخواهد بود و آبرویان سیش آرایش در شهر خواهد رفت در کمال حدبازی از در ملاطفت و سازش وارد شده بودند تا نمایندگان راهبرای هیبائی مشترک بکشاند و آفت آنطور که رسم حضرات حزبی است، در روز مراسم بلندگو و تندیس را با روز جماعتی و ۳-۴ هفتان سبب بگیری و هر چند که خواستند بگویند در واقع نمایندگان کارگران هیچ کار نشده، چرا که حضرات سارهاستان داده اند که در حاشیه و احاطه رطلی زیر همه قول ها و وعده ها - بیان زده و به هر فریبکاری دست بزنند. کارگران مبارز و آگاه ساعضای ریبری را این توطئه ها برهنند و اعلام کردند که در سال یک روز روز کارگر است و آنچه باید از طرف خود کارگران سرگزار

شود، روحانیت و پاداران هم نمیتوانند ما شندهم - مردم در راهیهای کارگران شرکت کنند و این مایه خوشحالی کارگران هم خواهد شد و با این جواب دندان شکن نشان دادند که کارگران حاضر نیستند حضرات انتحالی، نورچشمی را بسند عنوان قیم بپذیرند و در مقابل اطلحه بدست ها هم حاضریه تسلیم نیستند و فقط زیر پرچم خودشان حاضرند حرکت کنند و روحانیت و پاداران هم مثل همه مردم اجازه شرکت در مراسم را میدهند. وقتی تمام توطئه های حزبی ها با هم هدستی اکثریتی ها که ماهیت فدکارگری خود را در این چند روز به خوبی به کارگران نشان دادند نقش بر آب شد حضرات حزبی با شندهم سببه عنوان قسم کارگران اعلام راهیهای خودشان را کردند و آزادانه به هر موبسدر زدند و هر را دعوت کردند که در بزرگداشت روز کارگر و مطهری شرکت کنند.

نمایندگان کارگران نیز بنا بر نظر تسلی زمان راهیهای کارگری را اعلام نمودند و اعلامیه ای را برای اطلاع همگان منتشر کردند. متن این اعلامیه در ضرورت همبستگی کارگران جهان علیه غارتگران و مستبدین جهان بود و اعلامیه انقلاب ایران را علیه هر گونه سازشکاری و استبداد طلبی، علیه فرصت طلبانی که با خریدن بقدرت انقلاب راه ناپودی می - کشتند، طلب میکرد و در آن ذکر شده بود که بنا به فرمایش امام مردم باید در صحنه باشند و تسلیم هیچ قدرتی نشوند و .... متن این اعلامیه که همبستگی جهانی کارگری را در مبارزه علیه حیانخواران شرق و غرب و مزدوران بعشی و استبداد سازشکاری را و ساری نکات درست را در بر داشت بنا بر موقست ذهنی کنونی کارگران، در جایار جوب جمهوری اسلامی و پشتیبانی از آیت اله خمینی نوشته شده بود و هر چند از محتوای کاملاً انقلابی برخوردار نبود، ولی در مجموع محتوای آزادخواهانسه و استقلال طلبانه داشت.

آنچه مسلم بود این بود که ربانی و عاملینش که از طریق فریب نتوانسته بودند کاری از پیش ببرند با جماعت جلو خواهند آمد و با در دست داشتن تمامی امکانات سعی خواهند کرد که از این راهیهای جلوگیری بعمل آورند و داستان انقلاب شب قبل از راهیهای شخما تلفنی با نمایندگان کارگران تماس میگردید و اعلام میداد که آنجا حق راهیهای ندارند و تنها یک راهیهای در این شهر بر گزار خواهد شد و آن نیم راهیهای خود حضرات است و سی. کارگران از داستان سبب خواهند که این حکم را کتباً بویسد و داستان جواب میدهند که در اعلامیه ستاد انجمن مسجد سلیمان که در روز دهنده این مسئله ذکر شده است. حضرات در این اعلامیه با کشدن خط و نشان و تهدید از همه سببها هدنا نمومبت حضرات مستبد جماعت را پذیرفته شود و فقط در راهیهای آنها شرکت شود و بگردد و بیان خواهند کرد و امابن منطق رستاقیزی را هم ما سبب در تاجار معدومشمان بگدارند "ناطعیت انقلابی". غافل از آنکه اگر این شیوع قاطعت ها سبب نکر انقلابی بودن است هیترمانیت که به درک واضح شد در اینگونه اشغال



داندنکه در میان روزه علیه استبداد از هیچکدام از تندیها نمیزیرانند ولی بیرحان نفاقاً بیندگان ملاح را در این دسندکها توجیه نمودند کارگران نفت و اختلالات مطرد در میان خود نمایندگان از راه -  
پیمایشی چشمپوشی شود.

چندتن از اکثریتی ها که در میان جمع کارگران هوجبی گری میکردند و فیریا دمیردند چرا خود را از "مردم" جدا میکنند (از دید اکثریت مردم در ما مهمه و حزب و عا ملتش خلاصه میشود و خودکار - کران مردم هستند ، هماغه سطر کرده زنده آقا با ن دستکارتوری بیولتاریا در لهستان در خاک کیمیت استنادی تکم کنند ه های بیوروکرات لیستیانی جلایله میشود و بیولتاریای ۱۵ سلپونوی لهستان گده سرد سراجاستدما ریجه آمریکاست و ۱۰۰۰۰ یورده خشم و شکر کارگران قرار گرفتند و منفرد و سواج مع کارگران را ترک کردند تا با دیگر "رفقای" روس زده شدن در نظارات حربی ها شرکت کنند و "ماتن" کافر نمآر دهند و با نغراهای حزب فقط حزب الله ، رهبر فقط روح الله و کور فستی خود را برای حزبی ها با نغات رما سد و نغان دهند که آیفافظ به کار با یک حزب و یک حزب کرشنش فباع نتستند و در مقابل هرکس که در فستدرت با نده خیره در رمی مساستد آیفافظ عرض این چند روزه اسواج حرکتهای حاسوی و منتشتر نمایشند و سردند .

در نظارت حربی ها از طنده کارگر هیچ خبری نبود . ترکیب جمعیت کل همدجای دیگر نشان سودار و غده های آریا را - ریان که مطح را ترک در این اجساد مپیستند (فقط از موضع بار را بد سخر و زور خوردن) و استنادی اندک تریب خوردگان که با ن نشان در روزها شب تیا تدور و خاست هم فعلا نه را ما جمعه های بیست و ستادهای خیره حوار که سیلطان چندمالی است که چه پده است و مدمون تینی رسیده اند که در سابق بوده اند ، سا هتراهی غده های از حواسان روبرو نیست تریب خورده که در دلها حکمی بیگو تیس روس شروع کردند و موفا و فریب ظلمانه سد هم آتوسی هستند بی آسروی حزب من در داد دادات . اس بود راهمبانی رورکارگر حربی ها که الله استدما در یاد بی کسوندک خرد سال و بگذار در یاد بی ظلمت را خدای گدنا ظندهای را زده هم نکه ده سه بودند ، یعنی کردند نظارت مستحقان را عظیم سانی دهنند .

آنچه که خوب است در کار سررسی اس زور و حرکت کارگران بدان آثاره شود حرکت جب روشای حسی که با ن که همسار که حربیهای دوران ماه خود را از روی مسلح شوده های بسند استند وجوده با بندگی شوده در میان ما نمیبیرد ، حست ، ایضا سر امرورده ما سیرا غدر را رسد و خود را بنا بینه - طغنه کارگر - ساند و جدا از طغه کارگر برده راهمبانی های روستنکرا سه سردار شد و البته با وجود حزب جناقی بسان و سلطه استبداد سراجا بعه راهمبانی های آیفافظ سر خنده سفد ستر طول نمسکت و شرطی معمول بود در حمله و افغ میشود . البته زور و سسده و سیکار زور و جمعه این چ بستان کیودگا نه را به نما بیش گذاشتند و حتما خودشان هم از حرکتیگان جنبی راضی هستند و بی فائز آرائند که سر "بیپروای" که برای دلخوش کردن خودشان و خود سمانی خد ارتونده حرکت نمونند چه خواهد آید؟

هو داران مجاهدین سرخای ایستد در جهت ستویت حرکت حس کارگری در این روز و ریحی ببرد است کا ملا منتفلاسه عصر کرد و سواج مرصدند که برای پستیانی از حرکت کارگران محسی انجام دهند ، تقریباً آنیا نیوسو کریم حرکتهای روستنکرا در بریر حرم خودشان هستند .

### مسجد سلیمان

تعلیم حسرات بود ، آری ستفق حرب ای است : با با ن با حاسوس ، هیچکس بخودشان حس راهمبانی ندارند و حای آن سودگنده کارگران با راهمبانی با عظم نشان بدان سارده بسدوران - رسده های مند نشان بداندن که کارگران اراده کرده هیچ نیروی زانارای مقابلند با آسیاست ولی اسوی کدکار - کران سووار آن در جد آقا هی و سکل سر حورده ار میوند تا اپسن آجری توخته حرسیار را بقی برآب بسانند اسجیر استیلای مت بقه که هنوز حورده ار رسد و سدنواس و محدودیت های داستا سیا بعد و دنگه داستافول حورده برای حفظ آراسوس خواهان تصور اهت نحد ، غافل از آنکه اس آراسی سبحد مسلم طلبی در مقابل مندین حربی است و کتاب هها و اشراص نمآکاری از سن سحوا هسرده اسخسر اعلامی بدانان این حرکت حزب و نشان دادن استداد حرب فباع است وسیعی سنگنده در جهار جوب توانس موجودند ای اشراص را علیه اسن همدجودگامی بلندگده و اساده دوا حواسن را به بیان هم می نده ولی هیچکدام را ایضا گامی سید ، بسند و تیسرا بی بی سودگده کارگران در رور حیتی کارگر که حرکت با طع و دمدان یکی خوریدند که خندرسی همد و چگونه در یک پرده شریف خندانند آرا سارای بقا شد با آن سب رور حیتی کارگر سب سواس بد آثار یک حرکت بوده ای کارگری در اس بیوستیل سبود ، بی سواس آفا رگر نیرا ههای سعدی کارگران ساد ، سسی - سواس سر جزردگان از اسقلاب را در سارده سوار گسودند حصد سر د برای آداه استلاب نکانه ، سبواس سرور سکل ساد س سرکر کارگران را با آسی سر سراسر دند و بی اشیا اسلامی صعب سب ساد رگ مندوس از حکومتی سار زده ار نجاج ، با سسپا دنور اهیمبانی ، با طوح سستده حفظ آراسی ، در و افغ نکند مغب سب و آنچه که با ن سدی سسده ، اکثریت ساسدگان حفاری سربا لا خرد با ایضا سواس سوا غت کردند و بدس سرباس اکریب کسبده سرکاری اول ماهه در ست نسل امرام مد لغو راهیمبانی رای داد و همان سب سخمیم کبری حصدده طسلاخ عده ای از کارگران بیوست ، صج صعه عده ای از کارگران حفاری در محفل حفاری گوته بندند در سارده سست صحت کند ، ساسی زندا در راهم برای کارگران سساد بر سادده سوده گد ساسد در راهیمبانی شرکت کسبده ، ووهیمبانی های اکثریتی اواسطار تا سید کارگانی که از بر کارگری مراسم رور حیتی شان محسوروم سد سوند و مرده استبداد را در نحرده خود حیده سوده سار هم در مقابل سستی سب سخمیم سخمیم سستی سب سستی به راهیمبانی دل خوش کنند ، ولی راستی که آنها چه ثبای ظاهمی در سراسر دارند ، چرا که اکثر کارگران حاضر در جلسه رای به راهیمبانی سستغل در همان ساعه را ناداند و حتی قبیلش گفته شده بود که اگر راهیمبانی سستغل کنیم خطرا خارج هست ، خطر گشته شدن هست ، خطرا انحلال شرکت هست و . . . . ولی اکثریت کارگران شخصان

۴۰ روز از درگذشت رفیقمان منوچهر گذشت

بودیمیم تا ساری پی نبرند کد در بیس چیره، بظا هر آرام واحد تلامها که نهفته است.

منوچهر در اشفا ده نایلس و قدرت شده ها کد اصل اساسی در ما رکسم است، بسا را رخ بود او این راندت نهادر کشت رهبران اشقلابات جهان آموخته بود، بلکه در رهبری مسازرات کارگری، در انقلاب دوم ایران، در عمل تجربه کرده بود و هم از ابترواستوار در خطی تا رکسمی حرکت کرده بود لسوزا بد کوشید خوانانی را که سحا طوکم آگاهی و عدم درک نایلس توده ها به دام روزیونیستیهای حاشی استاده و سحای انکاء به قدرت نوده، شیفته قدرت حکما میرو و کراب و اسنما رکرا بر قدرت روس و قدرت یونانی به قدرت رسدگان بر نفع حزب سر و عد کسرنده اند را سجا به دهد. هر چند که سحا طوکم نیست نسکلانی اش، در اسن کار از معدودیت های زیادی سر خوردا ریود و هسندها بد میگویند تا در درجه آگاهی و موقعیت نسکلانی اش، روزیونیستیا سوئی سرید.

منوچهر در مسازره ساد نسان نجاج سو د و آتنی سا پذیرو تا لستری شکل این حصیته اش را در حشش بندتکران خا رک نشان داد.

منوچهر برای ما مسلمی نود در جکونکی کار با توده ها، مظهری بود از صداقت، از عتی به توده ها، از تواضع و متانت و بیگیری. که در زودار میان ما رفت و عدم وجودش برای جنسی جوان و کم تجربه، ما فایعه در دما کی است، ولی خاطر هاش، در نیای آموختنی بندگیش بدون شک ما را همسند را هما خواهد بود. زندگی در راه مسازره برای بهروزی اسانیا شیرین است و مرگ حسن سویندگاسی بر اساسی در دما کی. سال بعد سو د ا کر که هسکاران ساقی او در خا رک در سوک اش سو د " ایران در ار دس دادن یکی از پیرویس سر رنده اش با بد سوک سید." " که رجا و رفت ولی زندگی با سرحا سب و مبارزه برای بهر رسی سر سراز، و بد نسان منوچهرها جا و دانه ا سو د خا ودان خوا هسما سد.

۴۰ روز از درگذشت رفیق عزیزمان منوچهر میگذرد، رفیقی که بیی جداها و هزاران کدا و را میشناختند مطهرنداکاری، محبت صدانف و تواضع بود و هم از این بابت کمونیت بودنش مایسه افتخار ما است. زیرا که کمونیستیا ما بیدا سجنش ما شد و کورندهر کمونیت بودنش شگ با بد کرد. ما رفقای او را تصور بر تمام خصوصیات بردمش برای آنیاشی کدا و را سعی نشا خفتند تا حور مانده ایم و را سعی بگر سو د ر س دکی کمونیستیای راستس را در سو د و آسهم در مفا تی حسد برای دیگران تصویر کرد؟ و لیبی بهر حال ما سعی میگویم تا حدی هر چند اندک، از او سخن بگوئیم تا رنگان بهر رسی را آرا سجا که خوب ریستند و اکوز رستند. اسما موزند و فقط این گونه است که سنوار از منوچهرها تحلیل کرد.

اولین چیزی که مردم ما را سوچید بدها به همدردی و محبت بی باسانی است کدا و دانت و تلور عشقی بی پایان اوت نوده ها چلی که در س دکی و بر جوردهای روز اسد اش با آنی خلود کرسد و مردم از او ظره ها دار سد، ارا و کدیاری کرنما مگانی سو د که شکلی داشتند و سر اشش مبتلا سد، منوچهر تلب بر بهر اش از سارا حسیها و دردهای دیگران به دردمآ سد. و تا در صدد بر نسع نسکلانسان بررسی آمد آرام سبکرت، هر چند که به سادانت همه اس دردها ناشی ارحا سدا ستنما ر ردها ما ست و هم را ابترو سزای ما بان دادن به ظلم و اسنما ر همه هنی اش را فدا می کرد. مردمی کدا بسیدم تلاقه و محبت صمبا در ا د سده بودند و عاشق او بودند اکوز در رفنداش بر اساسی عرا دار بند و جد سیار رنگان کسه و انما صعد سده مزیر برسی یا روما و رمان را از سد داده اند.

اس غی به توده ها و جسم و سرب ا ر عوا ملی کد ساع سد زوری بردم سده، بهر سری ا کور در بر اسنک حش اشلا سس ر اساسی بد سار ردها ست و در منوچهر سو د ای عالی ار این احالی والا راهبه سدد سد و حشکی ناید بر سن در بر اسنکلاب و سخی های را د سبزار هسین حاشنت میگرت.

رفیق در صدانف و سنی غل و عشق بودن سیر سو د سو د و آنیاشی کدا و را میشناختند طبی سالیان صدانف را بحر سده و سو د در سسی اس ما و را آورده و اعتمادی ما بان سو خندا و داسند و هم از اسروا و بسواس برای بندتکران خا رک رهبری موزدا غنما د کرده و برای سحای آنیاس با وری مومن. هم را ستر سو د کد حشششای او در س د م با ستری دو جدان داس و بر حصیسن و رویرو سسیا و سحر س را سارای روما روشی ما او در سمان سوده ها سو د. سارا کد سار بر ستر روما و ستری بسند س چون نوده ها میدانستند که منوچهر آنچه را که میگوید حقیقت است و بردهای عربی و اطمینان بر طرفی موزد و نایجا از او دیده نخوا هسند. او ارحود سنا تیها و فعل برونیسهای روتنفرگرا ند و سر جورده های که سگارا ند و سگ نظر ائه نردی و گروهی کد سنا سنا ندها کد ستر روتنفرگان ما سنا دها ر هسند و بیسن دلیل سنی توان سدد سنا د توده ها را خود حشش کنند، سو د سو د سزای هسن هم س روز سو د در میان نوده ها محبوب تر سند. اس و بیزکی او سعللاد و جامع و فروسشی سی نظیرش در سر خورد سده ها و رفقا، تا ملی

مسجد سلیمان

ما سار ما سیکه سوده های زحمنکش و طبعه کارگر را از بر بر حرم برولسری سب سیم را در دراری در بیس داریم و تا آن زمان آنان کد خود را سگما رکرا و ر حسکان شهرو ددها سده و پر جم آنها را نگان سده سوار کارگران در عمل دوری میسو سدر و ا سسع ما خرا حوبای سب سیمت و سهارا راه ما سدن در کنرا آنها سنا سنی ناطعانه از مسازرات آنها و کوشش در ارتقاء سطح آگاهی و مسازرات آنها ست. اسر خنیا راهی است کده مبر آن ارگان رهبری برولتا را بیسش حزب برولتا را نولد خواهد سد و آسونت سگر هج سبروشی را سارای مفا سنا آن سوا هسد سو د سراز احام سبروزی شیاشی از آن کارگران خواهد سو د.

سده از صفحه ۵





اخبار کارگری

گزارشی از

مبارزات چند ماهه اخیر کارگران شرکت فیروز

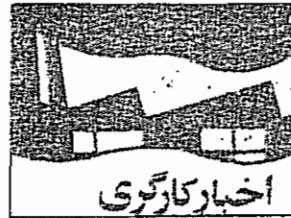
مباداه سرپرست برای خام کردن کارگران پیشنهاد داده که به کارگرهای قسمت خودش با دانه شود. اول از همه به سرپرست ها و اسنادها با دانه دادند و بعد به زبردست ها و پادوها که روزمرحی محاضی به عنوان پاداس . این کار امراض کارگران بلندند که کارفرما وقتی خود را در کارکنان مسئله دیدند شور و افکار رکنی هم با دانه بددیگر افرا داده شود. دیگر کسی از آن قسمت رسان اعتراضی نداشت چرا چون میگفتند که با دانه کوفتی و خفه سو . قسمت ما سا رزه برای گرفتن ساداس نسبت خود گرفتند ۲۰ روز سو دویزه . کرنس اما فاه حقوق و اخلال شورا را شروع کرد . هر روز جمع شدند و هر روز شورا تکیاس میکردیم و با حواها بخور رکنس شورا در جمع خود میسندیم . از اول فروردین تا اوایل اردیبهشت ۲ ماه هر روز با ۲ روز شمسان . جمع . سندیوم و ک الی دو ساندست کارگر کشیدیم با لاجرم سواسسم و فک جمع عمومی را یکبریم و نارنج اسن حله روز آن نسبت شورا بود . با لاجرم در اوایل اردیبهشت ما نسبت ۳ بعد از ظهر سوکی کارخانه به تعداد آندسل است که جلسه عمومی بود . شورا فکر کرد کارگران را در خواب غفلت گرفته و آتیمسا آماده کی سر خورد با شورا و مدیریت در اس حله راندارد ولی کور خوانده بود و این حال خاصی پیش نبود . آنها میخواستند طوا این حرکت کارگران را یکبرند و بارها ما را تهدید میسند که خارج کرده و فدا ایطاب معرفی کردند و تبلیغ میکردند که سرادران با درجه ها ن خود را خالصانه در راه انقلابستان ندا میکنند ولی شما مغا طریبول همیشه دعوا و درگیری ایجاد میکنند . کارگران کسول اسن حرفها را نشنخوردند چون صاحب منصبان کارخانه همه طا غوثی و طرمدار ریختنیا ربوندند . دوسه نفر کارگر را اضر کرده تا اگر کسی حرمی زدا اطلاع بدهند و با مانع آن شوند ولی باز موفق نشده اند . و ام به بعضی کارگران دادند ولی باز موفق نشده اند . خواستند بسن مذهبی ها و ما اختلاف بسا ندانند که خوب موفق نشده اند . ولی یک نفر از کارگران که وضع سرفه ای دارد خریداری شد و الان حکم جاسوس کارگزار دارد .

هر بار با زور و با نما بینده . وزارت کار با صنایع و معادن برای با زرسی مباد شورا و مدیریت شورا آنها را سه پیش این کارگر میبردند . این کارگر دیگر هیچ با به ای ندارد و هیچ با او برخورد و حتی سلام علیک نمیکنند .

با لاجرم جمع عمومی همان طور که در بالا اشاره شد فرارسید ولی ما یک دوساعتی مانده به حله خریدارندیم که ساعت ۳ همه دنیا ر خوری رفته همه شسته و آماده . بیکار با این مفتخواران و ناگهان میشدیم . مدترعا مل ورشس شورا و شورا و کارمندا همه آمدند . مدترعا مل هسوزتوی جلمندبا ندا از توی راهرو صحبت را شروع کرد و گفت من با حراحت و رونس وبدون دنده اعلام میکنم گذر متاسفانه هیچ کاری نمیتوانم کنم . کوش بدهد آنها شی که هوس شوری جدید کرده اند گوش کنند . آنها شی که ۲۰ روز سو د و با دانه و ا فاه حقوق میخواهند . آقا ما حج کار نمیتوانیم بکنم . خوب . حالا شما را میخوانم . اسم الله ! گزارش بدهد و وزارت کار .

(تقدیر صفحه ۷)

کارگران این کارخانه از چندین ماه پیش از بهمن ماه سال گذشته و تا به هم پیشتر در کسب مزایای خود و با فاه حقوق سال ۶۰ و تغییر شورا بوده و هم اکنون نیز این مبارزات ادامه دارد . در طی این مدت کارگران به بعضی خواسته های خود رسیده و برای کرنس با شورا خواسته های خوش به سا رزه ای بی اسان ادا شده و خواهند . برج سار را با سدن ترا بود که در دی تا دکنس و کنس کارگران آمانده . کرنس سو دویزه سنا سندانل های نسل شده است و لاجرم سراج سو دویزه به مجلس برده شده بود . در این هنگام کارگران به حسب وجوس امانده و هر بار حله شورا را کردند و حوا سار بر د اخ سو دویزه سندنند که هر سا ز شورا سکت هسوز سنیوم سس با ندا سال سو دویزه ای در کار ریاست . کارگران میکنند اما سسال سراسل سالیانی نسل کار کرده و حسی حندن سراسل سالیانی نسل لدا حوا سار سو دی را کدنسلا سکر سسیم ما بند سکریم . ولی شورا هر بار ما را بسنر سو دویزه دولت مگذار . سراسر سو دویزه از طرف دولت حید کارگران را احب و حسمکس شدند . حسی طرفداران دولت سراسر کرد اس مسئله ساتاری سکر سسند استعلا . اخلال کور و مخالف دولت معرفی سسند و آن وقت سر و کار اس کار کارگران با دولت . و وزارت کار . ساه . حرب الیپی و غیره بود . شورا حلی خوب اس با رموقی شده بود چون سس اس طرح دولت و سنا ما رکا بیجای سکر سوب او بود . کارگران حر کردند که در مقابل این روزگوشی ها سسند سسند و دیگر سسوا سسند معا بله با اس طرحها و حتی مقابله با دولت سسند و چون سسکلان واقعی خود را ندا شدند . شورا برای اسکا ز اس ما حرا اخلال شورا یک ماه از سسود را سراج کرده و کسب یک ماه دیگر را سسند و ۲۰ روز همه با سسلی سسکیرد . ما دوم سو دویزه احبند . سسطلاب سسند را رسب . کارخانه سسطلیل . کارگران خسته را کار و ناراحت از کار فرما . ولی سسه اماند فرمای بیتر کارخانه را ترک کردند . یک هفته بفرند صبح تنسه هند با جهره . سسار آرا م و آمانده . بیکار روانده . سندان کار و میا رزدند . کار فرما و مدیریت شورا . آنها شی که از مبارزات کارگران سیم و ترس بر سبکرشان افتاده بود و بیارنا مه هاشی برای سکر سوب کارگران در سیمی پروراندند فوراً بعد از مدتی به فکر سسیر سسرست قسمت سزرک افتاده و بیاره ای که قسلا چا بسوس و سوکر ما حب کارخانه و خا رچی ها بود به سرپرستی آن قسمت تعیین کرد . اس فرد سو کور حامی کار فرما و محلی آلمانی ها بود . همه کارگران به اس سسوی اعتراف کردند . همه خواهان سکر ساری اس فرد سو دن همان سرپرست قدیمی شدند (چون سرپرست فعلی سسرا آدم حوسی بود ) همه ما خوا سنا ر جمع عمومی شدیم که سسند اردر کسیری های محبتک با لاجرم سو دویزه سسوز واقع شد . در اسن حله سسلی سسده های فعلی کارگران را به حان هم سنا حسند و از آب کل آمانده شی کر سسند . طرفداران سسلی (رژیم گذننده) طرفداران شوری فعلی و طرفداران شوری واقعی و حزب انپی ما حله حان هم افتادند . در این وسط کار فرما به حوا سست خود و سسند بیهره . واسته خوش رسب . ولی هیچ یک از کارگران حاضر سسده کاری با این سرپرست نشده سو دویزه هر روز در کسری و بحث رخ



اخبار کارگری

شرکت فیروزا...

پیغام از صفحه ۷

بروید بگوئید شورای ما، مدیر ما، مدکارا رگه هستند. آنجا را عوض کنید، هرکاری که دلتان میخواستند بکنید، هیچ کوتاهی هم نکند. ما همین هستیم و بیشتر از این هم نیستیم و هیچ کاری هم نمیتوانیم بکنیم. بروید بدید هر کجا که دلنمان میخواستند بکنید... و سی ادا مدها دادند عوض کردن شورای ما فایده است چون قانون دولت حامی شورا است، تنها نمیتوانید پاداش بگیرد چون کنسای با ایداز وزارت نامه ارسال کرده که ما محاربه دادیم آن شوم و اگر بدون اجازه بدیم همان بلائی که سرمد سراج آوردند سر ما هم سوار شدند. سودویزه، ۲۵ روز را بستوا شدیم چون که کارخانه نسبت ۵۶/۷/۸ سود داد و اگر هم داده صرف برداخت و اینها شده چون ما هیانده ۶۵ هزار تومان نقد شدیم و ۲۷ میلیون تومان هنوز متروقیم. اماند حقوق نمیتوانیم بدیم چون دستور صریح از دولت نرسیده... در این لحظه یکی از کارگران سخن گفت: آقای مهندس ما هیچک از این بذل و بیخشنهای شما را نمیخواهیم فقط خرج زندگی ما را بدهید، اینها را که نمیخواهیم هیچ حقوق هم نمیخواهیم... یکی دیگر از طرفداران مدیر عامل بلند شد و گفت آقای مهندس معذرت میخواهم که وقتتان را میکشیم، ما لایحه بچه ها هم حق دارند، گرانی، تورم و بیگاری و همه منجر به این برنا مهند. لذا ما یک تخطی بدهید... بعد از آن کارگر پیشرو آکا می-بلند شد، چنان این کارگر چشم آسوده بود که نزدیک بود سوزد و خورد سین او و مدیر عامل بگفت: ای بسن کارگر چنان انشاکری کرد و چنان کار ما مده آنجا را رو کرده بدهد کارگران از لحظه بعد از این صحبت و عکس العمل مدیرت گران شده بودند. این کارگر در جواب مدیرت میگفت هر چه رنجش بیشتر شد ادرش پیش خدا و در آن دنیا بیشتر است، گفت گنه بی مذهب و ای دشمن کارگر و حامی سرما پیدار، تود را این دنیا همه عش و نوش ها را میکنی، تود را این دنیا دست بد خیا شتی میزنی، چه خیانتی بزرگتر از خیانت به کارگر؟ توحسودت اصلا بفکر عاقبت نیستی، ما را حواله به آن زمان میکنی !!؟... بعد از آن ما گفتیم جناب مدیر و ما مهندس شما گفتید پاداش نمیتوانیم بدیم چون دستور کتبی نداریم، چطور شد وقت سیخواستید میره و ما ملوا بسته خود را در آن قسمت برای سرکوب کارگران بکار ریدید همه پاداش دادید و حالا که رسیده دستور کتبی میخواهید. شما گفتید کارخانه سود داد و ما ۲۵ روز را نمی دهیم، کارگران خود را هند که ما آنها را ۵۸ و ۵۷ و ۵۶ هر هفت روز ۲ روزش بیکار بودند و برعکس امثال (۵۹) یک روز بیکار نشده اند. چطور رسیده امثال بدرد دست سودهای ما آنها را نسل نرسیده و گرم رسیده و ما را بیایند بکشند؟ این یک حرف بی معنای است چرا که "حسین دردی کرده ما مدعی تاوان شده". شما گفتید ما به حقوق خسریم چون دولت دستور نداده، و نسبی ربح تا ما مان ما، نکم کرده بچه های ما، اچاره های ما، غلبه استاده، ما، گرانی سرما آوردیم خودتو، هند که ما

با پیشری حقوق نمیتوانیم تمام مویا لاقل سرخی از گرفتاریهای زندگی راحل کنیم، جدا جدا از این بیترکده همه ما عملا هر روز با آنها درگیر هستیم. شما گفتید شورا عوض کردنش بی فایده است جزای فایده باشد، شورا برای ما جدا کرده؟ چرا الان شورا خفته شده؟ او که خود را ظهار میکند شما ببنده، واقعی ماست، پس ما الان رودر روی شما ایستاده ایم، عوض این که شورا بلند شود از حقوق کارگران دفاع کند، الان سفل شما همگام و همراه شما بسا سکوت خود حرفهای شما را تا شید بکنند، بالاخره آقایان جناب مهندس و شورا، شما هیچ کاری برای کارگران این چند سال کرده اید؟ جز آوردن ۲ عدد آب سردکی، ۲ عدد کولر و ۳ عدد دوش که هنوز نیمه ماست؟، بدن خاطر ما خواهان شورای واقعی هستیم، ما خود بخوار هم سر نوشت خود را دست میکشیم.

مدیر عامل و شورا وحشت زده خواهان آرامش شدند، وقت تمام شده بود، ساعت کاریمان رسیده بود ولی ما خواهان یک طسه، طو لانی ندیم. مدیر عامل و شورا گفتند با عرض معذرت وقت تمام است و فردا ادا میخوانیم. فردا صبح آمدیم، همه بچه ها دیگر آمده، بیکار ما حتم و نفرت از ایشان (کارفرما و شورا) یاد میکردند. ولی مدبر میسند بدهد قصد از چه قرار است صبح روز بعد وقتا قرار کرده بود رفتند و ببنده، وزارت کار را ببنده عنوان جواب دادن به خواسته های ما فرستاده بود و دستور داد که شما بروید و حتما بعضی از خواسته های آنها را بدهید چون اگر کاری نکند بیکار میاید به "فیروزا" ندارم و "فیروزا" با آن همه ثروت و پول و بر ما به از دستمان در میروند. صبح اعلام شد قسمت ما را پاداش میدهند. فردا اعلام شد که سودویزه ۲۵ روزه تعطیل شده و پیرداخت میشود. روز دیگر اعلام شد شورا وقتش تمام شده با بایندت خود شورا و با انتخابات شود. که ۱۵ روز برای فرست این کار را ختمان دادند ولی کماکان مرکز شورا نا در فرا میرسد هر چند که طرفداران سندیکای قدیم فعال شده و در پی نفوذ خویش در شورا هستند. فعلا کارگران با دانش سرا بر ما ۱۵ الی ۲۵ روز در ماه گرفتند. سودویزه هم را ما ۲۵ روز را گرفته و در فکر کار تندی کردن شما بنده های واقعی خود را اشتخامات جدید هستند.

زنده باد مبارزات سرخ کارگران  
مرک بر ما میریال لیستیای خونخوار شرقی و غربی  
برافراشته با دیرچم سرخ بر استخار طغنه کارگر

**نیازمندیهای عمومی**

جهت اجرای سریع و بی دردا احکام شرعی:

سنگ گناه گویترین ۶ متری خریداریم ۷۸۸۳۳۴۴

بیکسنگ گناه گویترین ۶ متری خریداریم ۷۸۸۳۳۴۴





# به مبارزه علیه اخراج کارگران

## مجمع فولاد اهواز برخیزید!

راه هر بیاندو شکلی افشا باید کرد!

اتحادیه کمونیستی ایران - اهواز ۱۳۶۰/۲/۲۱

### مختصری درباره حرکت کارکنان ذوب شماره یک

صبح روز ۱۳۶۰/۲/۱۵ شایع میشود که از طرف رئیس مجتمع آقای موسویانی حکم تعطیلی کارخانجات ذوب و ریخته‌گری شماره ۱ صنایع فولاد اهواز از تاریخ ۶۰/۲/۲۰ به سرپرست واحد مهندسی محمداحتیاطی ابلاغ شده و تا مه‌اش در امراداری این واحد نزد مسئول اموراداری بحرالعلومی میباید و این تا به نیز از آنجا شروع شد.

کارکنان این واحد بلافاصله تصمیم به گردهمایی گرفتند. چیزی طول نکشید که اکثر افراد جمع شدند تا محبت و بیای عدم محبت این مسئله برایشان روشن کرد. چند نفر از کارکنان درباره این مسئله صحبت کردند و مطرح نمودند که اگر این مسئله صحبت داشته باشد این حرکت فدا انقلابی و ضد مردمی است و نهایتاً به نفع امپریالیست‌ها میباید.

یکی از کارگران میگفت که تعطیل کردن ذوب توطن‌شده‌ای است برای به تعطیل کشاندن کل مجتمع و بالاخره بیکار کردن و آواره کردن تمام کارگران و بقیه افراد خواهد بود و یکی از کارگران میگفت من دارای هشت سرعانه هستم که خرج آنها را میدم هم حال که بیکار میشوم در شرایطی که کار نیست چگونه خرج خود و خانواده را در آورم، مگر نه اینکه این دولت میگوید ما طرفدار مستضعفین هستیم پس چرا ما را بسوی بیکاری میکشاند. آیا در بدر شدن ما هم شد مسلمانان؟! و یکی دیگر از کارگران میگفت ما در زمان رژیم شاه وضع فلاکت باری داشتیم و بسا کارگران همیشه زور میکشیدند مدایمان که برای گرفتن حقمان با لایحه مدیسه سرمان میریختند و ارتش و ژاندارمری را به سرانگمان میفرستادند. انقلاب کردیم برای اینکه دیگر مورد زور قرار نگیریم اما حال میبینیم وضعمان روز بروز بدتر میشود. حقوق ما که به بالا نرفت هیچ بلکه مقدار مزیایمانی را هم که میگریفتیم از ما ن گرفتند. ساعت کار را با لایحه و حالاهم که دارند بیکارمان میکنند. یکی دیگر از کارگران میگفت ما را که دارند بیکار میکنند از کجا بسا و بیم که شکم‌زن و بچه‌ها بمان را بسیر کنیم؟ آیا لا برویم آقای بحرالعلومی را بسا و بیم تا مسئله را برای ما روشن سازد. چند نفر از کارگران به سراغ بحرالعلومی که مسئول امور اداری ذوب شماره یک میباشد گدا ایشان هم در سه شمر ریاستند توطن‌ها با سرپرست واحد مربوطه و کارفرما همکاری لازم را می نمایند. رفتند و او را اسمان جمع آوردند. یکی از افراد پرسید آیا حکمی از طرف رئیس مجتمع در رابطه با بستن ذوب یک به شما داده شده؟ ایشان در جواب سؤال گفتند بله، حکمی از طرف آقای موسویانی به سرپرست واحد ذوب که دال بر بستن ذوب است و این واحد بود دست من رسید که برای آن بخوانم. (بقیه در صفحه ۵)

سراخام طرحی را که برای تعطیلی مجتمع فولاد اهواز و اخراج کارکنان آن ریخته بودند، روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه آغاز کردند. آقای موسویانی رئیس "مجمع فولاد اهواز" با وقاحت تمام اعلام کرد که بنا به دستور دولت دیگر لازم نیست کارکنان ذوب شماره ۱ به کارخانه بیایند. وقتی در مقابل سئوالات و خشم کارگران قرار گرفت، هفت تیرهایش را کشید و برای رعب و وحشت کارکنان تیراندازی را شروع کرد. همزمان با اینکار "موسویانی" هفت تیرکش چندین هفت تیرکش آجلی شده که مخفیانه در لباس شخصی اطرافش قرار گرفته بودند، هفت تیر - ها شان را کشیدند و شروع به شلیک کردند، تا رئیس گردن کلفت مجتمع فولاد را از معرض خشم کارگران دور کنند!

آری پاسخ سؤال کارگران را روسای وابسته به حزب جمهوری اسلامی با هفت تیر میزدند و قدا ره بندان آنها همه جا برای سرکوب هر نوع اعتراض برحق کارگران اینچنین آساده اند!

سران حزب جمهوری اسلامی و دولت مستخشان که دست و دل سازانه میلیونها دلار بیول مردم زحمتکش ایران را به عنوان "غرامت" به اشرف پهلوی ها میپردازند، که ۶۶ میلیون دلار پول بی زبان را به جیب دلال نامعلوم اسلحه بدون حساب و کتاب سرازیر میکنند، که از طریق "بازمان اتحاد اسلامی" میلیون ها تومان سود دلالی بجیب میزنند، حالا برای کارگران زحمتکش و شریف فولاد چرتکه میاندازند و از "شرعی" نبودن حقوق دم می زنند. حرف از این میزنند که جنگ است و دولت پول ندارد و در مقابل کارباید حقوق داد!

نوطشه اخراج و بیکار کردن کارگران بدست حزب جمهوری اسلامی ادا می‌دارد. اینها برای بیشتر بجیب زدن سرمایه این ممالکت، برای جبران رسوائی ۶۶ میلیون دلار، و برای پرداخت "غرامت" به اشرف، آن هرجاشی درباره شاه معذوم، لازم است که حقوق کارگران را قطع کنند. هزاران خانواده، زحمتکش را بسه کرسکی بکشاند تا دل امپریالیستهای آمریکایی را بدست آورند.

کارگران مساز فولاد! اگر می بینید از ذوب شماره ۱ آغاز کرده اند و بعد خانه سازی "مانا" را اعلام کردند معنی اش اینست که بعد هم نوبت بقیه قسمت های دیگر فرا میرسد حتی بسید نیست که "گروه صنعتی ملی فولاد" هم در شوبت بعد باشد. هشپار با سیدنتنها راه مفاصله ما این اخراجها اتحاد دومسارزه شما کارگران است. ۱۲۰ هزار کارکن فولاد و چند هزار کارگر در خطر بیکار شدن و اینست که "شرکت ملی صنایع فولاد ایران" در خطر بیکار شدن هست. ارسارزه کارگران ذوب شماره ۱ و خانه سازی حمایت گسسه آنها بسوسید. سنگیلات های سارراتی سر علیه اخراج کارگران و تعطیلی کارخانه را در سباندازید.

بر-مصارور! زحمتکشان تهرهای خوزستان! دو میلیون هوش سا که بسوسله سغنی ها آواره شده اند سی سوده حزب جمهوری اسلامی هم هرا را ن نفریادارند بیکار میکنند. سر علیه این توطن‌ها بخیزید. توطن‌های فدکارگری



مختصری . . . .

بقیه از صفحه ۹

استندای کد در صبح ۶۰/۲/۱۵ بین کارکنان بصورت نا بعه بود و انبسی بودنش با فراشت حکم و سادین خود حکم تعطیلی برای همه آنکارند.

حتم و عضا نیت هم در افرا گرفت و شروع بدنا سازا کفن سد دولت و دولت جردان کردند و گفتند که آقای موسویانی رئیس مجتمع سایدیاید.

چهار نفر از افراد طای رئیس مجتمع رفتند و با گفتند که کارکنان دوپ در محوطه جمع شده اند و میخواهند که شما بسازد و روس کنبند که چرا ذوب شما ره، یک را تعطیل شده اعلام نموده اند. اسان کفند این سایدستور دولت بوده و شما سروید و این رایبه کارکنان بکوشد. در مقابل با فشاری چهار نفر ابتدا بدینا ند های مختلف است که کاردارم و وقتش را ندارم میخواست از آمدن بسیار جمع ظنر دیرو که یکی از چهار نفر گرفت مکرنا این که کار شما رسیدگی به کار افراد این مجتمع است؟ خوب این هم بسک کار است که بد شما مربوط مستود و با بنییمان جمع آمده و مسئله را روشن کنید. با لآخره گفت پیروید تا نیساعت دیگر ساید بمولی شما چهار نفر تمهید سدهید که شلوغ نخواهند و بجز افراد دوپ یک کس دیگری در بین آنها نیستند. چهار نفر حاضر بدین تمهید نشدند و تمهید دادن را رد کردند. با لآخره آقای موسویانی قبول کردند: ساید. آن چهار نفر به میان کارکنان رفتند و گفتند که آقای موسویانی تا نیم ساعت دیگر میاید که حدود یک ساعت طول کشد ولی از آقای موسویانی حسی نشد. بعد از یک ساعت استظار کارکنان کفند که همگی با هم پیرویم و رئیس مجتمع را از طافش بیرون بکنیم و محوطه ساید و ریم: حال خودش بزبان حوس ساید به ساید این طریق او را آورد.

همه کارکنان به طرف ساختمان سه طبقه را دافنا دند و خود را به طبقه سوم و با طاق رئیس مجتمع رساندند و از او خواستند بیرون ساید و با آنها صحبت کنند. رئیس مجتمع قبول نکرد. با لآخره کارکنان با زور او را وادارند آمدن. به محوطه کردند و در میان جمع قرار دادند. او افراد را بدکستن طلوات وادار کرد و سعد مطالبی را کد روی کاغذ نوشته شده بود شروع به خواندن کرد. که با یکدیگر عده ضد انقلاب شروع بدنا بعد پراکنی کرده اند که ما میخواهیم در مجتمع راستندیم و افراد را بیکار نکنیم. چنین چیزی دروغ است و شروع کرده شعرا ندان مرک بر ما زاری مرک بر ما بداد مرک سردکاران. البته یک عده از کارکنان را ساید شد! مرک بر ما دم. و بعد ما فاه کرده سایدستور دولت چیون دوب: در منطقه حکمی است تعطیل اعلام میشود.

یکی از کارکنان گفت نما خودتان داربد مجتمع را سه تعطیل میکنید و میخواهید همه را بیکار کنید و ساید را مرک سر ساید بدار. مرک بر ما ساید است ساید. و یکی از کارکنان با چشم سگند ما ساید ریم در کارها ساید است و ما را بیکار نکنید. بعد از آن کارکنان هستند، دولت سکوبد ما طرفدار کارگر هستیم

بس کوی؟ این دولت دروغگواست. این دولت طرفدار سرما سدار است نه کارگر. طرفدار کارگر بداد کارگر میرسد ولی شما هه فدکارگر هستید. شما دشمن کارگر میاید.

یکی دیگر از کارکنان میگفت حکومت آخوندی بهتر از این نیستند. یکی از کارکنان از موسویانی سؤال کرد آیا طرح باز خرید افراد و تعاونی کردن مجتمع را چکسی پیشنهاد کرد. آیا این شما نبودید. و آیا نه اینست که بنا طرح برای بیکار کردن کارکنان میاید. محددا رئیس مجتمع شروع به تکبیر گفتن و شعار دادن کرد، که یکی از کارکنان فریاد زد سید شوالات با جواب سده، تکبیر گفتن و شعار دادن شکمن و جده ما را ساید ساید.

رئیس مجتمع سرش را با شین انداخت و گفت من دیگر حرفی ندارم بزم و راه استا ده که کارکنان جلوا ورا گرفتند و او دارش کرد سده که به سؤالاتشان جواب سده. اما چه جوابی داشت که بدهد. مرتب میگفت همین است که هست. دستور دولت است و محددا گفت دیگر حرفی ندارم. من سروم و اگر کسی میتواند جلوی مرا بگیرد و راه اندازد. کارکنان جلوا ورا گرفتند که ما کپان بدسترس که در ساید بیخی سوتند و در موسویانی را گرفتند و شروع بدکسب کردند و در اطراف جمعیت حدود ۱۵ نفر کد از گمنه: محرا آسده سوتند و ۳- در دست داشتند. شروع بدتیر اندازی هواشی در اطراف جمعیت کردند و چند نفر در موسویانی او را از میان جمعیت طرف بک جیب کد منتظرشان سوتند. کارکنان شروع بدادن شعار مرک بر ما ساید لیسیم، مرک بر ما رتاج، مرک بر موسویانی کردند و یک عده هم سنگ بسوی او پرتاب کردند که بعضیها میگفتند از سجه های ذوب سوتند.

موسویانی فرار کرد و کارکنان ذوب بطرف ماشین دیگری کد آنرا کمنه: محرا وز- بدست ها بیوند و حمله ور شدند و گفتند چرا شما ایضا آمدید. یکی از آنها گفت کد شما تلفن زد (رئیس مجتمع) کد عده ای میخواهند مرا ترور کنند، شما بساید بکد در موقع سخنرانی بن برایم اتفاقی سافت. یعنی آقای موسویانی از فصل چنین تدارکاتی رادیده سوتند. یعنی از کارکنان میگفتند که طرف اساننداری راهی ساید کسیم چیون آقای موسویانی آنجا فرار کرده است و الان بر علیه ما دارد توطئه میکند. سرویم آنجا و آقای موسویانی کد ۳- بدست ها را وادکار خا نه کرده است شکا پیش را به اسانندار کنیم، بگرچه اسانندار هم طرف است. یک عده دیگر مخالفت کردند و گفتند که ما فردا شما سنده انتخاب میکنیم و شما سیدگان را به اساننداری جهت روشن شدن وحل مسئله تعطیل کردن و اعتراض به عمل سرکوبگرانه آقای موسویانی میفرستیم.

با لآخره مسئولین امور صنایع مولاد که قاطعیت کارکنان را برای جلوگیری از تعطیل مجتمع دیده بودند، حرش ندان شدند و در رو این خسران کد کارخانه تعطیل میشود با اطلاع کارکنان برسانند. لذا اطلاعاتی که بصورت "تلنگرام" از طرف احمدزاده سرپرست صنایع و معادن صادر شده بود (شماره ۳۱/۲/۵۰) بنیچند سیدی بر تعطیلی مجتمع مولادا هواز سفا آرزوئی کارکنان سه سطلوا غلانات سجد ساید، کد از روز سینه سفلو افرادی سگسار ساید کد بدست آنها ساید است. که معلوم سوتند که ساید ساید و تا کد سده بود که جهت بر ما قدری این تصمیم گرفته سوتند و ساید ساید و ساید ساید "شغل بر ما ساید ساید" و ساید روز جمع ساید و ساید ساید، قتل از احبار، تلنگرام فوق از بنیچند در صحنه (۱)



اخبار کارگری

## مختصری ...

سپیده از صفحه ۱۰  
راديو خوانده شد. از منظر سوسپا هم خواسته شد که کارگران را سه کارخانه سرند و سه خودبيني سوسپا هم بساری نیست، بعد از آنجا تسويه حساب بشود.

روز شنبه ۶۰/۳/۲۲ کارگران که خانه هاستان در تهر جيبای اطراف اسب بر ميگردند و با شير های کرابه و سابه دکار - خانه ميروند. معنی سوسپا هم سوسپا معناسی هم شده ما را ميريم. خلاصه کارگران که هيای مختلف بدکار خانه ميروند و بعد اطلاع اخلاقی ميدهند. از رسولس حوی سود. کارگران درهای کارخانه را با رگري سد و در کارها هم اجتماع کردند.

در اعتراض به منطی روز سه شنبه "اچ - وای - ال" مربوط به اسرويلررا احسان شى شروع ميشود طرف "گورن" یکی از تصميمیای ديگر مجمع ميروند. پس طرف ما حتماسان مرکزي صناداداری ميروند. که در اسکا رنده روز در مجتمع جمع شود.

بگفتند ۶۰/۳/۲۳! زراديو اطلاعیه ای خوانده ميشود که کارکنان برای کرسی حقوق اردشهرت از تاريخ ۱۰ خرداد به بعد مراجعه کنند. همان روز (بگفتند) کارگران که به مجتمع رفته بودند در اطراف ما حسان به طنز (قسمت اداری) تجمع کرده، در همین اسبا حدود ۹ هزار کارگر "مانا" قسمت ساختمانی مجتمع با شعار "اتحاد، اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" و تعطیلی مجتمع نوطه: آمريکاست بدبغه: کارگران ملحق شدند. از اتفاقات اين روز اسر بوده که شعارهای متفاوتی ميدهند که "مرک سر جاشي". "مرک سر بيشني" داده ميشود و ضمناً شعار اسحرافی "تعطیلی مجمع، توطئه" بسج اسبا هم داده ميشود. در همین حین یک نفرينما مفرکه بد "مفرتوده ای" معروف است ميروند که بلند کورا بکبر و از رجاشي دفاع کند. کارگری از اسن کار زمانعت ميکنند که در کسری ميروند. چند نفر به مفرتوده ای حمله ميکنند، شعار مرک برتوده ای داده ميشود و مفرتوده ای را جسد مراز میان تجمع فراری ميدهند. شعارهای مرک برتواد کربني" داده ميشود چرا که روز جمعت "نواد کربني" از راديو هوار بر ضد کارگران سخرا شى کرده بود و آنها را صدا بقلاب خوانده بود. بگفتند کارگاه "لورکی" نمايندگان نو رايش را انتخاب ميکنند تا قبل از آن "مانا" ساختمانی، خوب شعار ده و ناشن سازی نمايندگان نو رايشان را انتخاب کرده بودند. قرار تده بود تمام قسمتها شوراهايشان را انتخاب کنند.

بعد کمیون شوراها را انتخاب کردند. یکی از بحث های رايج که بشتر شده اينجا و کسريه: اس و اسد اين بود که همه سر و سر تهران "حماوان" که افراد آگاه و مسا رجوابي محبت را ترينست. نمايندگان دوت سار: ده ۱ گذنلا تهران رفتند بودند ميگفتند ما که در تهران رفتيم چکار کرديم که شما سخرا هدر ميروند. در اجتماع روز سه شنبه که ساجک کارگران بودند در حقيقت مجمع عمومی کارگران بود. قرار است تده ای از نمايندگان به تهران

ميروند. در ضمن بک نفر در اين مجمع سخرا شى ميکنند و اعلام مي کنند "انجمن اسلامي" با بد موقع خودش را اعلام کنند که با ما کارگران است. تازه در همین موقع عده ای از کارگران سه دم در "انجمن اسلامي" ميروند و شعار "اسن لانه" جاسوسی تعطيل سايد کرده" را ميدهند.

در کمیون شوراها که افرادی از نمايندگان برای رفتن به تهران انتخاب ميشوند، اکثريتيها اين بار ميگويند ما قبل از اين که تصميم بگيريم چکار ميکنيم ما بدطرحي بدبهم که کارخانه را چگونه را ديما نداريم و اگر نداديم هيچ تصميمي نميشو دگرفت که يا مخالفت شديد بيقيد مواجديشوت. در حقيقت سخوی با طرح دولت موافقت دارند و نميخواهند علما اعلام کنند و از طرفی وقتی می بینند ما رزات کارگران دار دگسترش پیدا ميکنند قبا در سستند جلوس را ميکريد، بحث های اسحرافی ميش سکستند.

مجمع عمومی در آخرين جلسه اش در هفته گذشته، اولسن اطلاعیه اش را تا در ميکنند و در اس اطلاعیه یکی از بسده های خوب را مدام اسب که "سنا دهها هتکی و ما زمانه ده هی" و کتدهای واسده را بسج و حد صالح بد اسن و سه رسد سساست. اس سادتا مطلاع فرار بوده که ساجک رها را بکسد و ساد اس سنا داس که محم را دار دسبعضيل ميکنند.

از اتفاقا ب حال اسب که یک اطلاعیه ساجم "گروه مراد" به تاريخ ۶۰/۳/۲۴ در "اچ - وای - ال" بخش شد و در قسمتی از اين اعلاميه، ضد کارگری گفته ميشود:

"ما معتقديم شى چندا زگمانی که سخنوان نماينده !!!؟ انتخاب !!!؟ شده اند مفرض نيستند (تاکنون اينگونه را نمودگر به اند) اما بشرا نيز ميدانيم که افراد واسته بد گروهکهای متحد در حيه، براندازی انقلاب اسلامي (مجاهدين، خلق، بيگار - جريبکهای مدامی - اتحاديه، کمونيستها - حزب زنجيران - رزم خونين - سلطنت طلبان - ليبراليا - سا و اکيبا و...) نماينده ساجم نماينده؟؟ وغيره ميدان آمده اند...."

و در آخر ميگويد:

"بد آنان اعلام ميما ريم که شما نخوا هيده تر است در مقابل سل خروشان امت بسا خاسته نمايم کنيد و ما مدنسطا نسی خود را با بابتان را جامه عمل بسوشانيد"

گوئی که اين ۱۲۰۰۰ کارگر جزء امت نيستند که بکسد و متحد (بجز چندتن چما قدار انجمن اسلامي) ميخواهند از حقوقشان دفاع کنند! گوئی همه اين ۱۲۰۰۰ کارگر آمريکائی هستند!! اين اطلاعیه بسوسيله، بک چما قدار معروف مجمع به اسم هادی اسديور بخش ميشد که بعد خودش انکار ميکرد.

در تمام مدت اجتماعات افرادی از پاداران و "انجمن توحيدی محراب" و جاسوسان ديگر در میان کارگران وول می - خورده اند که بسوسيله، بعضی کارگران قديمی شتابانی و سه کارگران ديگر معرفی ميشدند. در مسير راه چهار شير و مجمع هم سده ای با سادار و کميته جی و حتی افراد شيربانی با لباس جمع می استاده بودند، ما ما شير يا بصورت مسا مرکه در صورت تظا هرات خبا شانی جنو کبيري کنند.

در حال حاضر نمايندگان منتخب برابر است به تهران ميروند و ب مسئولين امور صحبت کنند. کارگران همه کارهايشان خواهند رفت و مبارزه ادا ميدهند.



# درس‌هایی از اعتصاب پارس الکتریک

ادامه داد؟ به بحث و گفتگو نشستند. این بحث و گفتگوی عمومی، اولین نتیجه مثبت خود را صورت تشکیل یک کمیته موقت اعتصاب و تعیین وظایف آن نشان داد. معمولاً وظایف یک چنین کمیته‌هایی عبارتست از:

- ۱ - جمع آوری نظرات کارگران و دادن برنامه مشخص برای چگونگی ادامه مبارزه.
- ۲ - بدکمک تمامی کارگران، تقسیم کار و ایجاد نظم و برنامه‌های متنوع در طول اعتصاب که بیدار آگاهی کارگران کمک کند.
- ۳ - هم‌آهنگ نمودن و ایجاد ارتباط ما بین کمیته‌های مختلفی که اعتصاب در آنجا ادامه دارد.
- ۴ - برپائی جلسات عمومی بطور مرتب گزارش‌دهی پیشرفت کارها و کسب نظرات و تکلیف از دیگران برای رفع موانع و مشکلاتیکه معمولاً پیش می‌آید.
- ۵ - سخن‌گو و مدافع کارگران در مقابل کارفرماها و دولت. اهمیت این وظایف، ضرورت دقت در انتخاب اعضا کمیته موقت اعتصاب را نشان میدهد. معمولاً بایستی، آگاه‌ترین، پیشروترین، خوش سابقه‌ترین و جسورترین کارگران را بعنوان نماینده انتخاب نمود.

انتخاب کمیته موقت در پارس الکتریک شعبه کرج گام مثبتی به جلوی برد. روز سه‌شنبه ۶۵/۲/۲۲ اعتصاب کماکان ادامه داشت. کمیته موقت اعتصاب اولین قدم برای هم‌آهنگ نمودن اعتصاب کارگران تهران و کرج را برداشت و عاقبت موفق شد پس از مشکلات فراوان به تهران رفته و ضمن تماس با کمیته‌های تعطیلات و تونس، حمایت و همراهی آنها را با همان خواسته‌ها برای ادامه اعتصاب جلب نماید. در کرج شورای قلبی و فد کارگری در عمل ماهیت خود را نشان میدهد. این شورا ضمن انتشار بخشنامه‌ای که در آن اعتصاب به‌فدا انقلاب و گروه‌های فدا نقلاسی نسبت داده شده بود، به کارگران اخطار می‌کند با بد کارها زگرند و با بد صورت ادامه اعتصاب با سه‌نوع واکنش بد شرح زیر روبرو خواهد شد:

- ۱ - کم کردن حقوق کارگران اعتصابی و اخطار اول.
- ۲ - اخطار رکستی.
- ۳ - اخراج و معرفی به مسئولین.

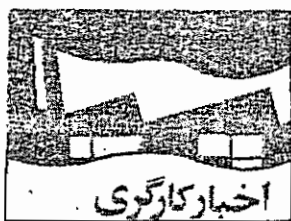
این بخشنامه‌ها همانگونه که انتظار می‌رفت بخواهی ترساندن کارگران، خشم و نفرت و اعتراض همه کارگران را برانگیخت و باعث فداکاری شورای قلبی تحمیلی را آشکار ساخت. روز چهارشنبه ۶۵/۲/۲۳ اعتصاب همچنان ادامه داشت. شورای قلبی که به بی اثر بودن تهدیداتش پی برده بود با دو چهره و با دو سیاست متفاوت بدنبال تلبه فداکاری خود ادامه می‌داد. هر از چند خود را حامی، مدافع، و دلسوز کارگران نشان می‌داد و در مواقعی هم‌جماقی نهاد و سرکوب را بدنبال می‌گذاشت. توده‌اینها و اکثریتش‌ها هم طبق سیاست همیشگی‌شان روش دورویی و کج‌دار و بریز را بینه‌م کردند و مخصوصاً اصرار داشتند تا اعتصاب خود حوض کارگران را کد علتش احضار و

اراداً حرمال گذشته تاکنون، موج اعتصابات کارگری برای دریافت بحثی از دستمزد، زیرنا مودویزه، هنوز ادامه دارد. سرشجمین و اعتصاب شکنان مزدور توده‌ای و اکثریتی، برای مقابله با این اعتصابات، در هر جا سایر میسوزان همبستگی، پشتکار، نظم و انضباط، و ادامه مقاومت کارگران، سیاست خاصی را در پیش می‌گیرند. آنها طبق سنت دستکیشان در ابتدا علت اعتصاب را بدنبال تلبه‌های فدا نقلاسیون و خرابکاری عوامل ستون پنجم‌ست می‌دهند. اگر این برجسب زنی کاری شد، شروع می‌کنند به خط و نشان کشدن و اسخاد تفرقه در مصون کارگران. اگر این نچیدیداب و خرابکاریها هم بیزنخسد و کارگران سلورسکیا رجه‌مناف و مت ادامه دادند، مرتجعی با تسلیم منوند و با سرکوب مستقیم میبردند. تا کسوز تحردسسان داده‌کد در صورت مراعات نکردن بک رشتها اصول و دست آورده‌ها، ادا بدو موفقیت اعتصاب با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد و چه بسا اعتصاب با شکست روبرو شود. ما در اینجا به شرح واقعه یک اعتصاب و درس‌هایی از آن می‌پردازیم. کارگران پارس الکتریک در قسمتهای وشیبا، قطعات و بخاری از صبح روز سه‌شنبه ۶۵/۲/۲۱ با دو خواسته، مشخص که عبارت بودند از:

- ۱ - پرداخت ۲۵ روز مودویزه.
- ۲ - اضافه دستمزد سالانه برابر محاسبه میزان تورم و کرائی

دست‌ها اعتصاب زدند. از همان ابتدا عدم تحرک لازم در میان کارگران و فقدان یک رهبری وارد، منطقی، و فعال بچشم می‌خورد. مسلماً مفهوم اعتصاب این نیست که فقط دست از کار بکشیم و بس. هر یک کوشای رفتند و مبارزه و مقاومت را بد دیگران واگذار کنیم. در طول اعتصابات دشمن و خائنین به طبقه کارگر مرتب دسبده و توطئه می‌چینند. برای حفظ وحدت و ادامه مبارزه کارگران بخصوص کارگران پیشرو و مبارزین دست‌سسر علیه این دسبده‌ها و توطئه‌ها مبارزه و برخواستند و آنها را حشی‌نما بند. بی‌تک کارگران بحطت سطح آگاهی مختلفشان، هر یک با برداشت و درک خاصی پا به میدان مقاومت می‌گذاشتند. وظیفه کارگران پیشرو ارتقاء و هم‌آهنگ کردن این آگاهیست. هر اعتصاب بایستی پشتوانه قوی از آگاهی داشته باشد تا ضمن ثابت کردن حقانیتش قادر باشد در مقابل حمله، یورش و دسبده ارتجاج به مقاومت برخیزد. در نتیجه بی‌اثر شروع اعتصاب با سستی دست‌ها و بی‌اثری و کار فوضولی و تبلیغی زد. باید بدحقیقاً و تبادل نظرات با من زد و با مروزه مخصوص چهره و انسانی توده‌اینها، اکثریتش‌ها و دیگر مجری را در عمل نشان داد.

از این جوهر حرکت و آرایس ساختار در این اعتصاب حسری سود. کارگران پیشرو و سوسی کار در میان نمود کارگران درسگ گونه‌سگ رحدن با اکثریتش‌ها منقول بودند. اعتصاب بدسوز رهبری، بدور سخن‌گو و مدافع و بدون یک آگاهی منطقی و منسج شروع شده و ادامه یافت. در پایان روز اول اعتصاب با استکار و بیسیه دحدنگارگر پیشرو، کارگران جلسه عمومی تشکیل داده و در مورد بگد، چما بدکردن و چگونه با سستی بسیار ره را



# اعتصاب بیش از ۴۰۰۰ کارگر کوره پزخانه (مرودشت، گوشک، رشمیجان، باقر آباد)

کارفرما درگرمی شوند. واکثرا کار را اعتصاب میکنند در تمام کوره های این منطقه بخاطر کرده خوردن اس تضاد در این موضع از سال است که موج اعتصاب کوره ها را فرا بگیرد. کارگران عمدتاً بخاطر افزایش دستمزد و دشواری شرایط کار دست اعتصاب میزنند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ سزا عتصابی در کوره ها روی داد. اعتصابگران و در رأس آنان حش زینبا با طر افزایش دستمزد دست از کار کشیدند و در آخر کوره ها را محصور سه قبول خواسته های آنان کردیدند. امسال (۱۳۶۰) اعتصاب از دهم اردیبهشت از کوره های گوشت آغاز شد و در عرض یکی دو روز تمام کوره ها را فرا گرفت. اسلار و حرات سال گذشته کارگران اراک سی و انسانی محدودت از کار کشیدند. خواسته های اعتصابی انزاس دستمزد حش زمان به ده تومان و حیات و ادارا سه ده تومان بود. کارگران خصوصاً اعتصابی ها بر لر و حش همگسی سان خود و کارگران اراک سی و انسانی سگوریدند. یکی از اعتصابی ها سگفت خدایکی کارگر هم یکی. ما تا هم بر می داریم دسگری سگفت اگر بد افغانسان برود روسی ها ما را کتار می کنند اسلحا هم گذر زندگی نماند کسی از مرگ ندارد. سوده ای های خاش و سوجه های اکثریتنی آنها کما سنده حوا سی به آنجا سی توانند بدهند، حشما میگویند اینها عوامل آمریکا جسته کسند. آجران خرابکاری میکنند و ما تا بد هم عوامل نماند آنها. آنجا همچنین به کارگران ایرانی میگویند از گرسنگی سگری بر سر آ نسا بد دولت را تضییف کرد. این خاشی بد شفته کارگر کما هسند که زرم مشترک کارگران اراک سی و انسانی را سبندند. براسی سارزه، طبقاتی از هر حزدیگری سوده ها را یاره کسوی آنها خوا هد کوسد.

به صورت در کوره های حاجی عزیز جینا ساه طمراس، حشرو، سده، بیمن، حاجی سرفراز، سیدا آقا، کل ناسیم، قلندر، جان سانا، حبیب، کل غلام، و دهها کوره دیگر این اتحاد وجود داشت. نکته قابل توجه در این اعتصاب حمایت روستا های اطراف که سالیان سال در زیر جور و ستم لکسان و نژودالیا قرار داشته و در سرازین اعتصاب بود. روستا شیمان میکنند کارگران باید حق خود را از کوره دارها و دولت بگیرند آنها عمر و هستی خود را در این کوره ها از دست میدهند، در حالیکه خود قادر به خوردن آجر برای ساختن یک کلیه نیستند. اگر چه این حمایت صورت رسمی اعلام شد ولی بیای صحت هر کدا مشلمان بی نستی حشبن حرفیا را میزد. سده حال ختم کارگران به حدی بود که بعضی از کوره دارها حرش آ مدن بد کوره را سدا شتند. کوره دارها به جنب و جوت امتدادند. سازهانیا و ارگانهای دولتی حزی میگویند که جلوا اعتصاب را گرفته و ما جدا مکان آن را سر کوب کند. ساسنده اعتصابی اعصابی ۶ کوره سنام طمیسر سده حرم حلالگری توسط ساه مرودشت دستمزد و اطلاعاتی از سرنسوه نسن در دست نیست. سدا از یک هفته مفاومت اعتصابگران کوره دارها محصور بدسوز خواستی کارگران شده و کارگران سدهس کار را سگفتند. حش زنان بد حش هزار بی سونا و چپار و ادارا ساری ده تومان

کاخهای سرمایه داران، نصرهای متو دالیا، عمارت های آنحالی اسلار کاران ار چه چیز ساسنده؟ آیا مگر چیزی سجز گوشت و جوی و بیوس و رک و هسی کارگران است. سلسا در حوا سغ طبقاتی اسلین اسل، نصرهای آنان، کما حیاتن براسستی سوی خون میدهد. سوی خون زحمتکاران.

کوره پزخانه سدا طرا سبکه همیشه دورا زینها سنا میتودا کثر مردم اطلاعاتی اروضعت زندگی رکا در آن ندارند. سیره کسلی از کارگران کوره دورا سنا سنا رو سبت سنا صورت مگر بد و آنان در شرایط قرون وسطای در کوره ها سسر سرتند. کوره های موسوم سدا نرا آساد، کوبک، سمنجان در مساتنی سطول و کسوسرو در کسوسری سروسد (سراز) واقع سده اند. در حشود دهه ۱۰ کوره در این سخطه وجوده ارد. کارگران اس کوره ها سده سارا دهات اطراف و سزارا ساسی های ساگر اسرا ساسر سده سده کوره در حاشا سدا کار سه مراحل سسرسه سسوسد. ۱. کل سسرسه، ۲. چسزنی، ۳. با حیا روادار، ۴. حشس، ۵. آجر س، ۶. با جراحی، ۷. نطق جمع کس، حشسرسی رل اساسی در کوره دارا کرحش رسها کار سسند سسده سسحشها کوره سساز کار ساری ساسند. چها روادار حشسها آ ماده را برای حشبن در کوره سده دورا سنا آورد. این عمل یا اسالاج یا با جرح سسی انجام سمشود. کودکان حرد سال سسشر در اس سست کار سسکنند. اکثریت حش زینها را افغانی ها سسکنیل میدهند. شرایط دشوار کار و کرمای طاقت فرمای کوره کار رگران را سدیبری زودرس دحار سکنند. آنان اغلب ساه امراض کونا کون کوار سی، سسسی، درد مفاصل وغیره مبتلا سسند، از کودکان ۱۲ - ۱۵ ساله تا سسر مرده های ۶۰ ساله بد عسرا سسانی سسین سکل سکن در اسن کوره ها اسسنا و سسوسد. سسهای همکی زحیهای سسسی دارد که ساسی اسساس سسسیم به خست اسس. سانات کار در کوره سنا سنا سسده و سنا سون سسحشی نیست. محل زندگی کار رگران اطاف ساسی در محاورت کوره که ده سمدای سسور و ناریک و سبزازانواع حشرات کزنده اسس سبباند. از آب لونه کسلی، سوات، حمام حشری نیست. کار رگران خصوصاً افغانی ها اغلب در جویهای اطراف اسسحمام سسکنند. در یکی دو کوره دیده سده که از همان جویها سسرای آب آنها میدسی کار رگران در هنگام کار اسسفا ده میکروه اند...

کار رگران اراک سی کوره پزخانه ها همکی از دهات اطراف هسند. آنها در واقع توسط کوره دار خریده میشوند. حشسان سدا بی ترتیب اسس که در سستان کد روستا شیمان با سرازین سخط و حشما سنا دی رور و هسند، کوره دار سده هات رفته و سندا رسنا سجری بول س آنها سدا سطلاح قرض میدهد و در عرض آنها را محصور سبکسده در مد سصل کار که سسریبیا از اوا شل سروسرد سنا او سس سنا سسرا سست در کوره کارکنند. اسل سنا سون سامل کودکان حرد سراز سسر سسررد. سنا سسصورب که چون سده رخا سوادده سنا بی کسار در کوره دارا سدا رید محصور اس کودکان حرد سسرای انادی سسری سده کوره سسرند. کار فرما ها اسرا سس سراط اسسفا سده کرده و مرده سسورده دلخواه حرد را سسب میگرد، البس سدا از شروع دوماه کار رگران در اس موضع اسس که کار رگران در هنگام سسین سون سسرسنا



خود زطالمان دسات لنگر مجهز خود را به افتابستان رخنه و تمام افتابستان را اشغال کرده است و روران به هزاران سسراز مزه مزه غورا افتابستان را با سم به کس می دهد. آبی غلب آوارگی اصحابی هاست و کمره همگس خا مره سرکانه خا به و وطن

در این اعصاب کارگران کوره ها ابرای و اصحابی سرای گرمی حق خود از کوره ها رهای استنار کورما هم را در و محسد هستند و بنا بدیکدارند کد کوره ها رها کس دیگرس آنیا احسلاف سه دا ز در بر اکران خا دنیا ندا اعتماد سکت معجود و ندا ما صد دستزدی به ایرانشان و نده افتابنی ها سر سد و فقط کوره ها رها سرور می شود، استنار ریشتری می کنند.

مردم زحمتکش و آگاه ما بد از این اعتماد کارگران کوره ها پشتیبانی کنند و کارگران کوره برای خواسته های زیر اصرار و مبارزه میکنند:

- \* هزاری ۱۰۰ تومان برای خشت زن ( و ده میس نسبت دستزد برای خا ریدار، کل ریز و خنج چین) حدانسل دستزد است کدا بدیر داحت شود.
- \* افتابدسی کارگران اصحابی ابرای و افتابنی سرای بدست آوردن خواسته های این از کوره ها رها.
- \* رعایت بهداشت کارگران کوره که همه وجه از طرف کوره ها رها رعایت نمیشود ما بند: ایجاد حما مدر محل کوره، توالت، ساختی اتاقهای مناسب و قابل زندگی برای کارگرایی که شب در کوره می مانند....
- \* بیمه شدن کلیه کارگران کوره ( خبلی از کارگران در کارخانه ها بیمه هستند ولی با وجود مرض و سختی کار کوره که توان کار زحمتکش را میگیرد هنوز کوره ها رها با وجود بول فراوانی کدا زدسترج کارگران بدست میآورد زبر با بیمه کردن کارگران کوره نرفته اند.)
- \* ایجاد شور از کارگران کوره. هر کوره شما بیندگان خود را انتخاب کنند و اجا دستور اکندا ستواند مدای کارگران کوش کوره ها رها برساند و از حق کارگران کد. زیرا بدون نما بنده کارگران و شورا های کارگران و پشتیبانی کارگران از شورای خود کارگران وحدت نظر پیدا نمیکنند و کسی نیست که سخت و سخت دنبال خواسته های کارگران برود. مثلا از طریق این شورا کارگران با یدیه فروش آجر نظارت کنند تا کوره ها رها نتوانند به هر قیمت خبلی بالا بد ملت آجر بفروشند و این خودش کمکی است به کسانی که آجر میخرند.

از خواسته های کارگران اعتصابی کوره ها دفاع و پشتیبانی کنیم!  
" یاران دهقانان انقلابی فارس"  
۱۵ اردیبهشت ۴۰

اعتصاب...

بقده از صفحه ۱۳

کدا ز خواسته هایمان بود در این اعتصاب دست پیدا کردند ( در مورد این کوره پزخانه ها ما بدگفت، وضعیت سداد از انقلاب هیچکوه تنبیری نگرده است. خود کما مکان نازده قدرت رسیده که این همه دروغ دم از مستضعفین میزنند هیچکوه توجیبی بد کوره پزخانه ها ندارند. انتظاری غیر از این هم از انبیا نداریم و برانی که سرکوب سازات بحق کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی، حیات در حاک ملی و سیاسی خود سرو-حتکی و آزادی کشی در سر لوجه برنا مدای آنان سر ادر ادر. در جمعی از اس بار را کارگران کوره سزا سنوان سه و سرکی آن اناره کرد. یکی مسکتی کارگران ایرانی و اصحابی و بی بودن بدافع سرکشان و دیگر اینکده دهقانان از این صا رده حما ت و پشتیبانی میگردند.

سپه نده توسط " یاران دهقانان انقلابی فارس" در سر حقیقی از اعلامیه " یاران دهقانان انقلابی فارس" کده مناسب است این سازات منتشر شده است را میآوریم:

از اعتصاب بحق کارگران کوره پزخانه ها پشتیبانی کنیم

مردم زحمتکش  
اعتصاب کارگران کوره در خبلی از کوره های اطراف رتمیخان - کوشک و کوره های باقرآباد دیراه افتاده است. قضیه از این فرار است کد در هفته گذشته کارگران جا رسا در کوره های باقرآباد ما نند کوره های حاج صمد کوره سجاتی و کوره سفندسار و دیگر کوره ها دست بد اعتماد زدن و خواها ما فده دستمرد از هزاری ۴۰ تومان بد هزاری ۵۰ تومان شدند. بعد از اعتصاب جا رسا ربا حنت زنها در خبلی کوره ها ما نند کوره علی شیرین رتمیخان و کوشک به اعتماد دست زدند و خواها ن خشت زدن از هزاری ۸۰ تومان به هزاری صد تریان شدند. و در این هفته اغلب کوره های اطراف کوشک و رتمیخان در اعتصاب کامل سر کردند.

مردم زحمتکش  
دهقانان و خوشنیشان زحمتکش ابرای و کارگران زحمتکش ابرای مندر زحمتکشان دیگر کوره ها نند افتابستان هستند. دست بد سدر حنت و استنار همگی زحمتکش را سیم سردیک و برادر کرده است. سبب دند آبرگاشی سجا و رسد حاک و ض کد بد سنوان است جدر ارمیطان را آوارده کرده آنهمونی که سکل ملکت ایران نواسته لنگر کند. روسه جابنگار کد

حقیقت

از تکران

اتحادیه کمونیست ایران  
را بخوانید





# اعتصاب پیروزمندان

## کارگران مینی

موضوع را با سکوت برگزارد کرد. روشن ساز اول وقت همه کارگران شروع میکنند اما بین خوددمحت و مشورت کردن. عاقبت تصمیم بر این گرفته میشود که اعتصاب آغاز گردد. اعتصاب تقریباً در همه قسمتها شروع میشود (فقط در دو قسمت شکلات و آدامس اعتصاب صورت ناکم گرفت. حتماً با درمیان و توسط شد. چیزی اکثریاتیها وتوده ایها وجود نداشت.)

حدود ساعت ۱۱ صبح، احدی، مدیر عامل شرکت و عضو هیئت مدیره شروع میکنند به سرکشی کردن به قسمتهای مختلف. در این رشت و آنجا، وی سعی میکند کارگران را به هدایت کند. کارگران همسوسه خودافناگری میکنند و میکنند. رنودر کردن در سرپرستی قاسمی و مجاز است ولی برداخت جان کارگران را سوس است؟

کارگران برای بیان دادن اعتصاب خواهان اطلاعات کنسی بودند تا دقیقاً مواعید برداخت ۱۵ روز سود در آن مشخص شود. عاقبت چند دقیقه به آخروقت شبعت کارمانده، اطلاعاتی از سوی هیئت مدیره بخش شده و مقرر شد صا دل ۱۵ روز حقوق کارگران در روز ۲۶ اردیبهشت برداخت گردد. اگر چه قبل از ۲۶ اردیبهشت تا بعدها شی وجود است چینی سرانگه این پول رانحو هستند برداخت ولی اتحاد و همبستگی می مانند کارگران ساعت شدنا مرتجعین در مقابل این خواست بحق کارگران تسلیم شوند.

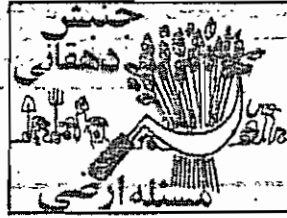
دزدی شاخ و دمندان در سیاست ضد کارگری داشتن ما فریب کاری و ظواهری بسیار میماند. ما و دیگران بارها ثابت کرده و نشان داده ایم که سوز و بزدلانی از دست خودنا چیز کارگران است و با سنی تمام آن سی کمروکاست برداخت نمود. کارگران هم دقیقاً این موضوع را تمیذ کنند و نسبتاً در هر حال با درو حق کشی روبرو شوند. نسبت به اعتصاب و اعتراض رده اندوسرینند. عامل این اعتصابات چه کسی میباشد؟ ما و دیگران و خواهی انقلابی میگوئیم، روسی کدامند؟ مری سرمانده را در لال مشیت و ایستاد، و واسطه ها و عمده دروسنا ۱۲۰ میلیاردر تومان تفسیح برده اند خودیا سیاستها و عمل کردها پیش، که از ما هیئت وابسته و مسیبتش ناشی میشود با عدا این وضع اصحاب را اقتصاد می بوده و اعتصاب را برزحمتکشان تحمیل میکنند. ثوده ایها و اکثریتیها هم و عموماً جل حزب جمهوری میگویند، صدا انقلاب، ستون پنجم و تا شریستی با عدا اعتصاب می شود. اینجا دیگر تقاضاوت با کارگران اعتصابی است که میماند و میبینند ارتجائی و خاش چسه کسانی هستند و میان و بینمایان کارگران چه میگرد.

مرتجعین، ظاهراً زو مردم فریب در سنی از لایحه سود و سوز، تحویب کرده بودند که اگر کارخانهای تولیدکننده است سال ۵۷ سبتر باشد، نسبت به درمندان فانه تولید را تا ۲۰ روز سود و زده کارگران تعلق خواهد گرفت. ولی این حسابان مستکرین حتی به همین قرار و بیما نشان همیای بند نیستند. در اکثر کارخانجات، بلاغ آمار سران سریند و مقاسه آن با سال ۵۶ صورت نمیکرد. گروه صنعتی مسوسکی از نمونه هاست. در ابتدا هیئت مدیره ادعا میکرد که تولید در کشور از سال ۵۷ است. ولی وقتی ما اعتراض شدت کارگران روبرو شد، آجا راه وزارت کار ریاس ندادند. وزارت کار و حداقل هیئت مدیره را تکوار کرد ولی بعد در اروپا نظری کارگران از خود طلب مستوی لیت کرده و منتظر اختلاف کارگران و هیئت مدیره قلمداد می کنند! سلو به شدت ادعای اول و وزارت کار بر چه اساسی بود و طلب مسئولیت بعدیش بد چه ملیت!

کارگران عاقبت خودشان آشنیها را با اداره و سرکار سرورن کنند آمار و ارقام و خلاصه میزان تولید ۵۷ و ۵۹ به این نتیجه رسیدند که تا سنی حدود ۱۵ روز سود به آنها بدل نمیگردد. هیئت مدیره زیر بار این سبجگیری سبیرت، روز سه سبدر اردیبهشت بعضی ارباب لیبای کارخانه در اعتراض پدیی، شوجهی هیئت مدیره، سرگردانی کارگران، و بیلا تکلیفی، کار را خوابانند. وقتی جواب حرف ما حایب و زور با اعتصاب داده شد، هیئت مدیره به هوش آمده اعلام جلسه ای را برای روز چهارم شنبه نموده تا به اختلافات رسیدگی شود. کارگران مهلتی برای هیئت مدیره تعیین کردند. آخرین روز مهلت شنبه ۱۲ اردیبهشت بود. کارگران به اطلاع هیئت مدیره رسانند که در صورت روشن نکردن تکلیف (پد در حقیقت در صورت عدم قبول برداخت ۱۵ روز سود) از روز شنبه ۱۴ اردیبهشت دست از کار نخواهند کشید. این قرار مورد توافق تمامی نمندگان و کارگران قسمتها قرار میگردد. هیئت مدیره تا روز شنبه بعوضی جواب میدهی به سب...

### کمکهای مالی دریافت شده

محل	مبلغ	کد	نام
آمل	۵۰۰۰		م - ح
آمل	۵۰۰۰	۱۱	عادل
			بک کوبین سی لیتری
آمل	۴۰۰۰		رضای هوادار
تهران	۲۶۰۰		غم زاننده
تهران	۸۰۰		باش (را شده)
تهران	۴۰۰۰	۲۰	چالغ
"	۲۰۰۰	۲۷	ف - ک
"	۴۰۰۰		جنرالی کارگر
"	۱۰۰۰		رفیق کارگر الف - ج
"	۱۰۰۰		س - الف
"	۱۰۰۰		ج - س (سویا زوظف)
تهران	۱۰۰	۲۱	الف - م
"	۱۵۰	۲۵	الف - ر
"	۴۵۰۰		م - ی
"	۱۱۵۰۰	۸۸	م - ا
"	۵۰۰۰۰		ز - الف
"	۲۰۰۰۰		حقوق ما هانده بک مادر ۱۲۳
"	۵۰۰۰		ن - حیات
"	۵۰۰۰		الف - خط
تهران	۲۵۰۰		رفیق هوادار ی - ی
تهران	۱۲۰۰		ب - الف
تهران	۱۰۰۰	۳۰	ج - ب
تهران	۱۰۰۰		ب - د
تهران	۲۰۰۰		ا - ی
تهران	۲۰۰۰		رفیق هوادار از سبهار د کوبین سی لیتری سبزار سبزار
تهران	۵۰۰۰		سویا زوظف



# آقای بهشتی:

## مدافع بزرگ مالکان!

میکرفت. در جریان انقلاب این شخص از ایران فراری نپدید بدنیال فراروی زارعین زمینهای خودشان را که توسط این فرد غصب شده بود تما حد کردید و به کسب کندم بر روی آن پرداخته اند. افسال در حالی که خوشه های کندم بدیا رستند بودند و دهقانان با هزار امید و آرزو در انتظار برده اس آتیا بودند. بروکلند. ارباب برای بحاح محدده زمینها پیدا آتیا بهم با دستی " سر و پشتوانه ای " استوار". اس پشتوانه " استوار"، نامهای جمهوری مبرو و اعنای رشن در اساطالی کوراست الله دکتروند محمد بهشتی: مالک سرکا بد بود که حق مالکیت هوست خان ساواکی را بر حسب ساحه بود. در حال حاضر سعاده رادی: اردخسان اس روسا اعنای مالکیت فارسی! آن خان بحریم بدحاک ساه سعادت. از اسخاروی سعودا سوسی کدهیسی ها و سرکاش بدوس و بصورت واران حاس کسد. حوتاسوسی در حدب انلنی انکل و منسجوار دست. با ندکه برده های مرتب و تزویرا اسلا ردو حیره: واقعی اسن سالوسان ربا کارا هو سدا حن. هر چند اسان داریم که خورشید حقیقت سراسر ای همه زبرا سرباتی نخواهد ما ندو نما ده است.

حاجت رهبران حزب جمهوری اسلامی از مالکیت فتودالی ارضی را با بکرات در " حقیقت " نشان داده ام. اسن با تطبق گزارش رسیده ارهمدان، آقای بهشتی دسبرکل حزب جمهوری اسلامی بدحاسب از یک بزرگ مالک فراری ( صاحب ۱۵ روستا ) سرحاسته و از حقوق مالکیت ارضی وی دفاع نموده است. آتسای سبسی و با بردستیاران ایشان که بر سر ما بد دلانی - رمانسی تکیده دارند، سا سرما هب طبقاتی اسان ما مناسبات فتودالی و ناسل سرما به داری در حاحه، ما سعاری بداسد. بلکه اران سعده سعود و بران سوار سعوسد. گزارش محضر بر سر سعده ای اسار اسکد سورروا - فتودال کوسی با. سوسی آقای سبسی، علم عم سلطنت سعودالی ارور و ما سدا اس. حکتوم در حدب بزرگ مالکی سراسر کرسد اس.

سرح و اسده بدین سب اس کد فصل از انقلاب مالک سرکی سنا م هوست خان در اطراف همدان صاحب حدود ۱۵ روستا بود. او خود سن ساواکی و زسن آمریکا بی بود و ما سنا به حدود ۶ هزار تومان از نسبت المال حقوق آمریکایی بودن و جاسوسی را

## توطئه فتودال های فارس برای جلوگیری از تقسیم زمین و با جلب موافقت روحانیت بزرگ

ما فرارسیدن فصل کشت مزارات دهقانی اوج شماره ای سعود سبکیرد. سنا بر جریانات کدند ( توطئه مالکی از یکسو و مزارات دهقانی از دیگر سو ) چنین بنظر میرسد که اسال اسن مسئله بر سرانجام قطعی خود نزدیک و نزدیکتر میشود.

سعاده سعاده، زمینهای مالکین بسوسله: دهقانان فارس و در اختیار گرفتن زمینها، فتودالیا و ملاکین فارس برای سرب کوب زارعین به دست و پا افتادند. در آغازه عکس العمل منقا - بل در مقابل جنبش دهقانی، یعنی به درگیری ستن مستقیم و رو در رو با دهقانان متوسل شدند. آنها اقدام به رعب و وحشت در میان دهقانان از قبیل آتش زدن مزارع و غیره نمودند. و با ز چون به منظور رسیدن متوسل به بذهب و ترع اسلام شدند. فتودال ها با آوردن فتوا از طرف مراجع تقلید مسی برای تکه " سعاده: اموال فصبات " و " فرزندنا حلت و حرام سزاده سبار سبارد " و اینکه این شیوه: کار کمونیستها سبسا سددست سبلیغات وسیع رندند. آنان بیچاره سار فتودالیا ای ایران اظنا بنظرها و سنها را بصورت کتابی سننر سعودند. آیت الله مخلانی سیر در فارس در این مورد فتواداد. ولی مالکین فتودال سها بی سبز قانع نکشته، چون کماکان دهقانان رسیسن را در اختیار دارند و سعاده مزارات خود ادا مدبدهند، همین موضوع ملاکین و فتودالیا را بران داشت که بقول خودشان " بانسنگ رعیت ارباب بدن را پاک کنند و یا شهید شوند." بهمین منظور

احیرا شورای کشا و رزی فارس ما سبتر است سکوشیم شورای ملاکین و فتودالیا عرضنا مه های متعددی سبر کردند. بدین عنوان که چگونه مشتی بی سرو پا سنا جرعیست و خوش نتین در امر کشا و رزی اخلال کرده اسان ما سدبخت بیچاره ها را آجر نموده اند. در آخر شورای فوق سنا اسنار لغو هر جد رود ترسند " ج " کشته اسد و الا در غیر ابصورت ارخدای نا کرده خونی بزمن ریخته سده ولست و مقابات کنوری مسئول خوا شد سود. السد سنا سبندگانشان سبزه سبراه اسن عریضه ستم و سبتر ار و شهید سفر کرده اند ما هم کنسا و هم سفا ها احطار آخر خود را با روحانیت بزرگ و وابسته به ایشان مطرح نموده و تصمیم سرتاسری سبگیرند. این سفرها آنچنان که از آن شهود است با سرتا مهریزی قبلی بوده چون شورا های کشا و رزی سرتا سربملکت با هم بوده اند و جلسات متعددی نیز داشته اند.

سفر این شورا (شورای کشا و رزی فارس) از ۱۰ اسفند ماه شروع شد. ابتدا به قم رفتند. در این شهر نزد آیت الله شریعت - مداری رفته بودند که وی پاسخ داده بود که فعلا از دستش کاری نمی آید چون هما نظوری که خزنده در رژیم شاه آدمیای وی را می- کشته خمینی سبزی سنا راهایش را سبفر سده تا آدمهایش را بکشند. آیت الله کلپایگانی سبز گفته بود که این مصادره ها و تقسیم اراضی غلط است و کمونیستی و سنا بر با اسلام. وی خواسته بود تا اعضاء شورا در دستظری سبروند کدا و آنها را بد حضور سبذیرفتسه بود. سعاده اسن سب سبیران نزد آذری فنی و سب سب مجلس شورای اسلامی رفته بودند تا سنا سبندگان مجلس صحت کرده و " دادخوا - می " کنند. کوما سنا سبجریانات ۱۴ اسفند و سبوزی شهر چندان موفق نمیتوند. در سب سبده شهید سفر کرده و نزد آیت الله شیرازی سبروند و با ایشان نیز در این مورد صحت کرده اند. در یک کلام سفرهای فوقی ما جلب موافقت روحانیت بزرگ همرا سده است.

دو مقاله از  
نشریه مغان ارگان  
پاران انقلابی زحمتکشان  
مغان

مبارزه بحق روستائیان

((داستان مایوسف))

راشکده میکنند که بگویند جمهوری اسلامی شکنجه کرده است. توجیه  
به گزارشی که هیئت سرری میکنند داده و آیت اله خمینی نیز  
آرمانا شده کرده. سنظر سرری که آویزان کردن زندانی از پا و  
نفتن کسبه، سحان به سگم و شلاق زدن، شایه جرح، شکنجه به حساب  
سما بد چون این نوعش را حداقل در زندان متکین شهر شاهنده  
کردیم و جوانان سگان سر مستوانند حقیقی سما بند.

۳ - جندی پیش در روزنا مدها خواستیم که چند نفر منساده  
درخا با سیای سپران بخرم اعتبار دو در خطوی چشم مردم تسرا ران  
سدت. انسد دولت درای سنسد متضر نیست چون قیلا در ایسن  
مورد صرب العصر شمین شده بود که منساده سن خودشانرا مجال حد  
گسده و حدها تا رخ شمین شده منساده سن خودرا معالحد  
سما سده مرم سما خته حوا هتد و اعنیا دنیز ما سندا جا ق سواد  
بحدره نحت بیکردفا نونی فرار خوا هتگرفت. خواننده، ما تا بسده  
شعبت کنده از اسکده بی جطور شده از خانه، مایوسف سیم کیلو تیریه  
ترباک در آسده است؟ ما بد عرف کشیم قاتون محارزات معنای دین و  
قا جا ق مود مخدره در مورد آخونده های وابسته به حزب جمهوری  
اسلامی بلا انراست و نمیتوان آنها را در ردیف قا جا نجی هار  
منساده دین به حساب آورد. حتی اگر نیم کیلو ترباک از خانه، آنها  
کشف شده باشد و مردم بارها ترباک کشیدن آنها را دیده باشند.  
زیرا روحانیون وابسته به حزب جمهوری اسلامی قشر خاصی هستند  
که دارای ابتیازات خصوصی میباشند و بدون وجود آنها ایحساد  
هرج و مرج و اخناق و استساده برای رهبران حزب جهه ری  
اسلامی مشکل است. البته، بین آنها موریست که روحانیگون  
وابسته به حزب جمهوری از امثیارات خصوصی جرحودارند.  
مثلا طیق خیری که جندی پیش در روز سانه انقلاب اسلامی درج  
شده بود یک فرد معمولی را در همدان به جرم لواط اسساده  
میکنند، ولی آخوند مزندی را که رئیس پاسداران نیز بوده به  
جرم لواط فقط به یک سال زندان و شصت ضربه شلاق و قطع لباس  
محکوم میکنند. دادگاه انقلاب اسلامی شیریز البته در صورتیکه  
عقوبتد سارایتی شامل نشود.

۴ - روستائیان مبارز فقط در نتیجه اتحاد بود کسسه  
توان منساده دادگاه انقلاب متکین شهر را نیز وادار به عقب نشینی  
نماید و سده خانه، مایوسف حمله برده و او را فراری دهند. این  
نحریه درس آموزنده است برای آینده که روستائیان در هر  
مسئله، اجتماعی و خواستهای دفاعی از جمله زمین و آب باید  
اتحاد شده باشند و مبارزات خود را متحدانه بش بمرند زیرا  
ببروزی آنها از طریق اتحاد امکان پذیر است.

یادداشتی دیگر از یک مکتبوی دیگر

سیرا سسرو حای یکی از آخوندهای مکار و عوا نظریست  
فردی تحت "کرمی" است. که قبل از انقلاب طرفدار شرع منساده  
بود. او از جمله آخوندهای سبنا ری است که همیشه در محالسی که  
از طرف عوام تا دغاشتر ترتیب میمانت حتما حضور میمانت و  
حقیقی و نشیای برای بدتر احترافش ده و شنا سبگت (بقصد در صحنه)

روستای کنده یکی از سواح "کرمی" میباشد که دارای  
۳۰۰ خانوار جمع است. سراسر روستا آخوندی سما مایوسف  
که مردی عیاش و تریاکی و احتمالا ساواکی سبزمیاند زندگی  
میکنند. سراسر سوط در بیم بیلوی مایوسف نرهما سددت  
ملایان حلف و ساطغی که از شرکت نوحه سخصوصا ما مدها بن قشر  
ارجا معده قدرت رسیده است. از سر قدرت رسد دست در دست  
پاسداران و دادگاههای با ساطغ انقلاب!! به آزار واداست  
روستائیان پرداخت. اهانلی روستای کنده حدین سراسر  
دساین مریح سبکیده دادگاه انقلاب متکین شهر کاسنت  
سسریدولی حوا س از همدان مایوسف در دادگاه های انقلاب  
سبکریه. ملا سبیز چون اعتراض و چشم مردم را می سسده برای  
اسکده سبسی ساسان داده ساسا هتکار سب سرجع  
سکری سما حبیبی، حاکم سرج دادگاه انقلاب متکین شیریز برای  
سکوب و ترساندن اهالی روستا سسده سبیز بود در تاریخ  
۶۰/۲/۱۵ به سبانه، اینکده روستائیان مسلح شده اند، ساسک  
چند پاسدار و پاسکا هژاده را مری طوان به روستا هجوم برده و به  
خانه کری و ضرب و شتم و روستائیان سبیردارند و چند نفر از اهالی  
روستاراد سبکری نموده و به زندان متکین شهر میرسد و آنان را  
به سرق کوتا کون از جمله شلاق زدن، آویزان کردن از پا و بستن  
کیسه، سیمان به شکم، شکنجه میکنند. اهالی روستا زمانی که از  
این وحشگری ها مطلع میشوند سده خانه، مایوسف حمله میسرنند  
تا حق این مرد و مر سرجع را کف دستش بگدارند ولی مایا بدین  
خشم مردم با یک قبضه کلت آمریکائی فرار میکنند و دوسرادر  
زاده اتن ساد و فیضد ۳۰۰ و یک حصه سبک در خانه، بلا سبگر  
میگیرند و به شیرا ساری حوا س میبردارند. ولی مردم نوحیبی  
سده اتان نسوده و با جوب و سبک به خانه حمله برده و آنها را  
قطع سلاخ میکنند و خانه، ملا را بهم سبیریزند و نیم کیلو سبیره  
ترباک نیز از کمدش در میآوردند. سبکا س که در این ماحرا حلس  
شود میکنند عیار رتنداز:

۱ - تمام آخوندهای کدیاسبا به پاسداران و ارگانهای  
مربوط به حزب جمهوری اسلامی مانند دادگاه انقلاب در منطقده  
مغان رابطه دارند معنی نظریتی به حزب جمهوری اسلامی  
وابسته اند، شامل احتناق و ساسور و شلاق و وحشند و همیشه  
مردم رو در رو هستند و با مردم مبارزه میکنند و این نشاندهنده  
ماهیت ارتعاشی و ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی میباشد.

۲ - مسئله تنحه در زندانهای جمهوری اسلامی سسه  
مسئله ای میمنسدل شده است و روی سبرفته اکثر دستگیرندگان  
و بارند. سبیا را شکنجه میکنند و با حداقل کتک سبزند. سسر و  
صدای اس سسده بندری زیاد سده که آیت اله خمینی جندی سس  
هیئت سسده سبب سرری سسده سسده اما موری سبکی ساس  
مردم سسده. هیئت سبب سبب سبب سبب و سبب سبب سبب سبب  
کراس خود را اعلام نموده و سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
اسلامی سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
بروزی این گزارش سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب  
پاران سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

اخبار کوتاه

کرمان: چندی پیش یکی از هواداران فعال سازمان مجاهدین خلق را بجرم داشتن اعلامیه ۵۰ ضربه شلاق و یک سال زندان و تبعید سه رتسجان محکوم میکنند. این محاکمه که ۱۳ سال پیشتر ندارد طاقت ضربات شلاق را نمی آورد. پاسداران استبداد برای اینکه "حد" ارتجاعیان اخرا شود، اس مجاهد را با شلیک مورد ضرب قرار میدهند!

درهفته گذشته جاسی معروف، حجت الاسلام فییم کرمانی، اقدام به اعدام یک نفر در کرمان میکند. این فرد که برادرش را در یک دعوا کشته بود جلوی چشمن و فرزندش به جوخه تیرسیرده مستود.

نسرین: رورجمعه مورخه، ۶۰/۲/۱۸ اخبار صدای جمهوری اسلامی ایران بنا صدای بلند حصری را اعلام نمود که حاکیست موسوی اردبیلی دادستان کل کشور از زندان تبریز باز دیدگرفته و اعلام داشته که اصلا موردی از شکنجه در زندان تبریز دیده نشده است و ضمیا اداره حمایت از خانواده زندانیان به خانواده های بی بضاعت کمک مالی میکنند و کارخانه قالی سازی وکاشی کاری در زندان گارا افتاده و زندانیان سا کار کردن در آن جا میتوانند. برخی خود خانواده هایشان را در آورند.

اطلاعات مشخص ما در این مورد حسن است: اولاد مورد باز دیدار زندان، آقای موسوی اردبیلی برای باز دید از دادگاه انقلاب آمده بودند از زندان، و چون زندان در

کنار دادگاه انقلاب است او تنها از در زندان به دادگاه وارد شد و تنها چند قدمی در محوطه زندان رده است. بدون اینکه کسی از زندان آن محبت و تماس داشته باشد. در مورد تکنجه هم ادعا های بخش نده، دروغ هستند. ما حاضریم حای شلاق و دست و پا بپوشی شکسته و دنده های شکسته شده و ضربات سوزی را بابت گای داستان سان بدهیم و بایت گیم که احار بحتی نشده مادرست و دروغ میباشند.

دروغ دیگر سیزده مورد خرجی زندانیان و خانواده هایشان میباشد که با بنهم با واقعات از آن دروغ های شاخدار میباشد. زندانیها در روز در زندان ۱۰ ساعت کار میکنند، ولی استخبار آنقدر شدت است که در از آن ۱۰ ساعت کار تنها ۱۵ تومان بزد میکنند. فقط ۱۵ تومان و نه بیشتر از آن. آنوقت ادعا میشود که نه تنها زندانیان خرج خونشان را در می آورند بلکه خرج خانواده هایشان را هم در می آورند. ایسهم دروغ دیگری در تکمیل دروغ های شاخدار قبلی، قرار است "مکتبی" ها حتی یک دروغ نگویند، می بینیم که در گفته های اخبار ۶۰/۲/۱۸ حتی یک حرف راست هم پیدا نمیشود!

اطفیان: یک هفته است که نرودگاه اصفهان هیچ گونه پرواری ندارد. شایع است که قطع پروازهای این نرودگاه علت اعتصاب خلبانان مانی این نرودگاه است. میباید، گویا این اعتراض نیز علت درگیری سبب خانواده، یکی از خلبانان

(یک دبیرزن) و مدیریک مدرسه بزرگپوش بوجود میاید که این دبیرزن مورد تحقیر و بدبزر مکتبی قرار گرفته و شوهر این خانم این رفتار را مسان همکارانش برده است.

کمیته ای بنام کمیته ۹۹۹ تشکیل شده است که مسئله اصلی آن بگمیری نیروهای انقلابی است.

خواهرزاده، رجائی که سر نشین یک تانکر نفت کش بوده و بدون توجه به امنیت ماورس دریکی از حادثه های اطراف شیراز مورد تاسیب کلوندرار گرفت. از نرورار کشته شده است. شایع است که ایشان در حال حمل مواد مخدر بوده است.

چند خبر از اهواز

حدود یک هفته پیش یک کارگر انقلابی داخل یک تاکسی که صحبت سر او ضاع بوده از مسائل تلگتی و کار و کارگری محبت میکند و گویا کمی ندمی رود و افتاء گری میکند، هنگامیکه از تاکسی ساده میشود، منوجه میشود یک دختر از "خواهران زینب" که درون تاکسی سوده او را تعقیب میکنند که میاید اهمیت میدهد، ولی داخل یک کوچه خلوت این "خواهر زینب" هفت تیری را در آورده و از اس رقیب میخواهد به کمیته رود که رفیق کارگر بلانا مله عکس العمل نشان میدهد و میزند زیر هفت تیرش و خوردش فرار میکند. قتل هم شنیده بودیم که تمام افراد انحرهای اسلامی را ملحق کرده اند و سه آنها گفته اند هر کسی را که در او مشکوک شدی حق دار است دستگیرش کنید که ما این عمل این "خواهر زینب" نظیر میاید آن حیرکا ملاحظه سوده.

در هفته گذشته تعداد زیادی از مادران هواداران مجاهدین در فرمانداری تحص داشته اند. علت اینکه در چند هفته پیش تعدادی زیادی از هواداران مجاهدین را دستگیر کرده بودند و از جمله چند خانده، سنی از آنها را. منحصن خواهان این سوده که نگلیت فرزندانشان را روشن کنند.

در هفته گذشته کارگران شهرهای اهواز و شیراز را منحصن میسوند، ضما سنده اسباب سگسند و حواهان اما نه حصوصی های عت افتاده و سندی که با آنها قبول داده شده بود، سمیود. قتل سعاز سعذ سکار دیگر متحصن شده بودند. معاون سانی استاندار سزاقشان میروند و میگویند خواهسته های خود را سوبسید. وقتی از خواهسته های آنسان مطلع میشود، ما آنها میگویند هس چیز شما داده نمیشود و بد شما هم هسح نیازی نداریم. ولی کارگران به تحصن خود ادا مده اند. یک نما سده هم فرستادند که با کارگران سابع فولاد اعلام همسستی کرد.

نوردخوزستان ۲۹ نفر از کارکنان خود را بنا م اینکه کار آموزند اخراج کرد و بسده ۹۰ نفر آنها گفته شما میتوانید در شرکت سیمان سازی تبریز بروید کار کنید (این شرکت هنوز آماده کار نیست). طرح وقت ۹۰ نفر به تبریز بسوبسده دو میندس توده ای اکثریتی بنا میاید زمانی و السانی داده شده. گویا کارخانه سیمان سازی تبریز زیر نظر توده ایست. این کارخانه ترار است که عده ای ارگوار. کران سومی اهواز را اخراج کنند و ۵۰ - ۴۰ نفر نور چشمی را نکیدارند.

اخباری از اصفهان

دو هفته پیش ، رمانسکه کارگران کا رخا نه شهرضا حدیثی ...

اکثریتها در مقام بازجویان رسمی مستبدان

اخبار یکی ارهانتی آموران هوادار زمان در ...

کارگران شهرضای جدید همچنان می رزمند

بدن مال که کاری که در کا رخا نه شهرضا جدید ارتا ...

حزب کمونیستی در مقام حریف جمهوری

حزب کمونیستی در مقام حریف جمهوری ...

آدمکنی در مقام ریاست زندان سیاه

آقای محمدی از آزادی حزب معزول میباید ...

دزدی از حقوق کارگران بی سواد

در اکثر کارخانجات و خصوصاً کارخانهای رستندگی ...

فرقی حکومت طاغوت و جمهوری اسلامی

یکی از کارگران زن کا رخا نه شهرضا که هن راهدن ...

هجوم شبانه ایرانی ارتجاع

چند روز پیش سه نفر از آزادی ارتجاع موقع شب ...

خرابکاری دستجات تروریستی

بدن مال موج هرج و مرج و آشوبی که از طرف حزب ...

دستگیری اجیران

از جماعتی که پیش از انقلاب گوناگونی از جمله ...

به آتش کشیدن آشوبان اخباری

یک مدار خطای واقع در سده ن ضوئی اخباری ...

یک شگرد...

بنیاد از صفحه ۱۲

اصفهان....

بنیاد از صفحه ۱۹

از هواداران سازمان بحاهدین خلق است ولذا "جرش" محرز است. ایادی حزب مسفور، برای آتش زدن معازه، از طریق خف وارد میشوند و یکبار دیگرستان دادند که بیشرمی را حدی نیست.

توطئه سلطنت طلبان

بعدها ده ۸۵ نفر از کارکنان و جوانان بیرونی دریا می گردیدند از آنجا که در آنجا حاضرین کار در دستگیری دیگر بیرونی ها (سلبرزان در سری ۰۰۰) نبودند، همگی استعفا می کنند. طبق اظیارات خانواده، یکی از آن تکاوران، حدود ۲۰۰-۳۰۰ نفر از تکاوران طی هفته های اخیر از مرزهای آسی سدوسی رفته اند. این تکاوران در زمان استبدادی مدنی حامسین رابطه نزدیکی با او داشته اند و درسی دستمعی آنها نمیتواند بی ارتباط با ساند های شاه پرستی همجور مدنی باشد.

نفرت مردم از جماعت قدر

بعدها در ظهر روز یکشنبه ۶۰/۳/۲۷ عده ای که تا با ارجوانان تشکیل میداد، با شعارهای "حزب فقط حزب الله"، "حزب الله، بشمک روح الله" از طرف چهار باغ پائین به طرف دروازه دولت حرکت میکردند. تظاهرات کنندگان که حدود ۱۰۰ نفر بودند پس از پایان سخنرانی علی اکبر پرورش در محل حشرب جمهوری اصفهان به راه پستی پیدا شدند. مردم با حالتی بی تفاوت و نفرت بد راه پستی با ن نگاه میکردند.

شماره های ارتجایی حزب

شماره های ارتجایی حزب جدیدی بر در و دیوارهای حیا با آنها سه چشم محورد. این شماره ها که سه قصد "جوساری" برای پرورش بیرونی های انقلابی منجمله معاهدین طرح و تبلیغ میشود از طرف حزب پسند و صد آزادی حاکم طراحی شده اند. بعضی از این شماره ها عبارتند از: "مناقی روز انتقام نزدیک است"، "امروز شناسایی، فردا انتقام خون با سادار."

به نقل از خبرنامه اصفهان

بسیاری از روستاها ن. ترک نشین و گردن نشین محسور به کسوف نده اند.

میاباد:

۶۰/۳/۴ - در این تاریخ یک ستون مرکب از ارتش و پاس داران کداز "ارومید" به میاباد در حال حرکت بود، به کمپین افراد مسلح حزب ما شدند. طی این درگیری که چهار ساعت ادامه میابد، روستای "اسندرفاش" (شردک میاباد) از طرف بیرونی های دولتی به خمپاره بسته میشود که حدتدن آرا هالسی روستای "اسندرفاش" از جمله یک زن شدت رحنی مشوتند. از افراد مسلح دستکرات دوش کشته میشود. حزب دستکرات اسلام نوده است که ده ۲۰ نفر از سرروهای دولتی را کشته است.

سندج:

۶۰/۳/۳ - در این تاریخ دانش آموزی ستام اسعد در حیا بان مردوخ یوسیده، مانتن سپاه با ساداران کشته میشود. بدستمال نکابت در مقتول (اسان خیل) بنیاد از صفحه ۲۳

رمانی که بنا بر زه بر علیه رژیم مسطور و مزدور بیلوی در سرتا سر ایران شدت گرفته بود، هنوز آخوندهای "کرمی" از جمله ابن شخصی حاضر نبودند که در راه پستی ها شرکت کنند. در او احر عسیر رژیم مزدور بیلوی عده ای از مظمین مبارز کرمی اس آخوندها را شهید کردند که کرد در راه پستی ها شرکت نکنند در ابطر عسیری عبا مدتا نراد و در کردستان حلقه خواهد کرد و با بنان سیزده رهنجه، این تجدیدات مجبور شده اند که در نظرات شرکت بسا ستند و لسی هم روز دپیش فرمانداری می رهنند و با هزار قسم و آبه سه فرماندار می کنند که ما مایل به سسیم در اینگونه نظرات شرکت کنیم ولی محسورمان میکنند و اس "خلایه" را حره "کما هان" با حساب میکنند. بعد از سقوط رژیم و عثمانی شدت بسا دست سر بسنداری و خسی او بطوریتلحنی طرفدار حسی شد و الا ن سر جسی ادقانی دارد و در اکثر کارهای احتسائی و کارهای سودآور شرکت کرد. و در جمع آوری کمک به جنگ زدگان حلی تلاش و کوشش نشان میداد. البته شایسته خود در دیناری هم کمک کرده با دولتی مردم را حلی تشویق میکرد که کمک کنند، مدتی از فضل شهادت برای مردم حشرف رد و جوانان را تشویق نمود که بیرون بروند در جهاد شرکت کنند. اما به مصداق آن ضرب المثل کدم حشرف را با و رکنیم با حرف ملا را، زبا سیکه نوبت رسیدن به خود ملا سر دستمعی العمل ملاک خوردن را را صد نک می اندازد!!

جربا نازا سغرا را است که پس سرزاسند ستام تخی روحانی تاریکی ها بر حسب اقتضای سن به سربازی رفتند و در تقسیم بندی کویا بدیگی ارجبیده ها افتاد است. آقای بیرونی بیرونی استوار انقلاب! و طرفدار رنجادت! و طرفدار رفاسلما متحا وزین سستی بد محسور شدن این شهر که پیش در تقسیم بندی بد حیدان بساده است، سلاطین طه حرکت کرده و از هم مسلمان خود که در بنام های سالا هستند استفا ده کرده و با لآخره پیش را به سراب منتقل کرده که در آنجا از وطن خود که خیلی در خطر است دفاع نمایند! ما از جوانانده قصاوت میخواهیم که ما لآخره، حرف ملا را با و رکنیم با دم خروس را؟

اخبار کردستان

سوکان:

۶۰/۳/۲ - بدستمال دادگاه "خلقی" حزب دستکرات برای رسیدگی به پرونده حسین برزنجی که شخصی سام حاج حسن رادر روستای "ترکنا کندی" بقتل رسیده بود، حشرف و علی برشم رای دادگاه "خلقی" حشرف روز دوم خردا دفاشل رادر روستای "سوار" اقدام کردند. یکی از دلایل اقدام فریبا سرده مخالفت وی با حزب و مسئول حشرفی سوئزه "عمرجان تبگان تیه" است. ۶۰/۳/۳ - درگیری سیدی در این تاریخ سس با ساداران و حرت دستکرات در روستای "رحیم خان" و سایر روستا های کرد نشین اطراف میاباد و آرح می دهد. این درگیری بدستمال حشرف با ساداران به روستای "رحیم خان" آغاز میگردید. از تعداد تلفات طرفی و زحیبه اطلاع دقیقی در دست نیست. لازم بدستکرات که از اجرائت در این سسند کسرتن با ستا سست و



پتیه از صفحه ۳

## سر مقاله

روحانیت و خارج از روحانیت مخالفیم، ولی ایشان میگویند: "اینقدر تنقیب نکنید که بخواهید روحانیت را کنار بگذارید." اولاً کسی نمیخواهد روحانیت را استغیب کند، که از محده، ساسی کشور کناره برود؛ دست کم غلام مسئله، حاشیه، ما این نیست. تا سا اکر روحانیت بعضی بیستی و ریسحانی و آقای دادستان گل کشور و آقای قدوسی و حنی و دیگران، که همه از مطالب آنها فراموشان به آسمان رفتند، در این صورت باید حتماً این روحانیت را تحت تعقیب قرار داد ولی نه برای کنار گذاشتن بل که برای محاکمه و مجازاتشان. اکر روحانیت معنی کسانی که مردم چنگ زده را احتسبی در اردوگاه های مخروبه محاربت نمیگذارند و در اینجا بی آنجا و بلان میکنند و راه نشینها همچنان پس از دو سال وعده، مسکن به آنها همچنان از نصیب بیرون از منازل معادله شده، دشمنان فراری ملت محروم نگه میدارند، در صورتیکه هر کدام از خودشان رفته اند و نوی یکی از خاندان های مجس صادره شده نشسته و به کیف مشغولند، در این صورت حتماً باید تحت تعقیب قرار گیرند و به حسابان هم رسیدگی شود. اکر روحانیت یعنی همین عده ای که یک دسته پنج شش هزار نفری در شهرها با اسلحه گرم و سرد دستم چربانه رها کرده آنها را به جان نظا هراتیا و گرد هم آشی هبا و

اعتیاد با ت واجتماعات سردم میاندازند، در این صورت حتماً با بداین روجانیت را کنار زد و زیر حمله قرار داد. چرا امام وقتی طالقانی را گروهی زیر حمله می گرفتند و او را در پی استغیابش از شورای انقلاب کردند و سجد هایش را زد دیدند نکفت میخواستند روحانیت را کنار بزنند، ولی وقتی بیستی - این معبود هو بیزار ترکیبی که با کربیه وزاری از روشدن پرونده اش در لانه، جا سوسی جلوگیری - مورد حمله، مردم فرار میگیرد، فوراً باید دفاع از روحانیت مباحثند و از دست آنها بی کد سخا هند روحانیت را کنار بزنند نگات سکند!؟

مکشند روحانیت! بگویند کدام روحانیت! روحانیت آمریکا و روسی و درباری؟ با روحانیت متعبد به مردم کشور خویش؟ این گفته، امام که میگوید "هر جانی از ایس مملکت یک روحانی مبارز هست، متعبد به اسلام، هر وقت صدایش در بیاید همه دن سال او هستند" تنها بدین شرط میتوانند درست باشد که واقعا این روحانی یک روحانی مبارز، یعنی هوادار آزادی و استقلال و متعبد به مردم باشد. البته کاری به تعهدات این روحانی یا آن روحانی به اسلام نداریم؛ سحش آن با خسود امام، لیکن بدون شک روحانی اگر مبارز نباشد، یعنی برای مردم و روحانی مبارز، هیچگاه مردم با او نخواهند بود چه برسد به اینکه در پشت او باشند. بعبارت دیگر اکر روحانی هر قدر هم که دم از مذهب خود بزند ولی حرف حساب بگوید، برفع مردم موضع بگیرد بلکه مانده شرح فصلاند نوری بخواند مالیا خوب تراق واعیان و اشراف علیه خلق توطئه کند، مردم با او نمیروند و حتی او را به دار میآویزند - همانطور که ما شیخ یاد شده

کردند، امروز ما میبینیم که مردم با روحانیونی از قماش سران حزب حاکم نیستند، حالا هر قدر هم که آنها از تعبد به اسلام و خدا و پیغمبر مردم بزنند، اینجا قاعده مردم غالباً با آن دسته روحانیونی حاضرند همراهی کنند و به ندایش پاسخ مثبت دهند که مخالف استبداد و توکرفستی روحانیون باشدند میباشند. آری روحانیون مبارز امروز هم میتوانند مردم را بسوی خود جلب کنند، ولی این روحانیون مبارز دقیقاً کسانی هستند که امام آنها را مبارز و متعبد به اسلام نداند و از اطراف خود کنار رده است.

خود امام بعنوان یک روحانی ستوانند آزماستی کنند، ما سندیر خلافت اسن سخنانی های اخیرشان، که حتی یک شعار هم علیه آمریکا و ایر قدرتها و دشمنان واقعی مردم ندارد، در طریق آزادی و استقلال و روحانی مردم حریف بزنند، البته مردم با ایشان خواهند بود؛ لیکن بیایند همین حرفها را تکرار نکنند و به توحیه و تاشید سیاست های خائمان برانند از وضو مردمی حاکم برد دولت و مجلس بپردازند، خواهند دید که تعداد خیلی کمی با ایشان خواهند بود از انبوه مردم سرعت جدا خواهند افتاد. بیایند و روشن بگویند "درود بر بیستی" و اعوان و انصارش، مردم را با خطر مخالفت لوجاننه اشان با این روحانیت تکفیر کنند، خواهند دید حتی این تعداد قلیل هم از اطرافشان فرار خواهند کرد و علی حواله ما ند و حوضی. اگر ایشان بدین معنای سب اور ندارند، امتحانش محاسنی است. آتو ت خواهد بود که در آخرین تحطیل مردم با اسلام و روحانی نیستند، که هر چه بگویند بشود، بلکه ما حرف حساب اند. ما حق اند و ما سبازطل!

اما از همدنا درست ترو خوش خیالانه تر این گفته، امام است که گویا وضع جامعه بحران نیست و کشور با بن بست روبرو نیست؛ با این مفهوم که راه در روشی از اوضاع بحرانی و کربیز از تکرار اساط سابق وجود دارد و این راه همانا راه برانداختن حکومت مفده جو - بان و خائنان بد انقلاب و کشور، بهم زدن این مجلس و دولت وغیره و تشکیل یک حکومت و اقصا انقلابی و متکی به مردم و دعوت مجلس موسسان ملی برای تعیین تکلیف بسا توائل خراسی و انحصراف و حساب بد انقلاب و وضع قدر در کشور ما میباید. ولی بسا وجود حکومت ایسها، با وجود این مجلس و دولت و خائنان کاری ها، کشور صد در صد در بن بست است و یک راه بازگشت از این کوچدین بست به عقب وجود دارد. خود امام هم با وجود آنکه با صراحت میگوید بن بست در گار نیست و "شما به بن بست رسیدید... مملکت اسلام که به بن بست نمیروند"، میدانند که خود ایشان و مملکت اسلام ایشان هم در بن بست است؛ والا با شما مجبور نبودند که خود را اطراف ایشان را در همین سخنانی از "خطر انفجار" و "فتای همگی" بترسانند و بگویند "بترسید از اینکه یک وقت یک انفجاری حاصل بشود و همه ما را با دنا بدهد"، "بترسید که ممکن است یکی از ایام الله خدای نخواسته بسا پیدا بشود و آرزو دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن قضیه این است که فاتحه همه ما را میخوانند." "خطر انفجار" و پیدا شدن یکی از "ایام الله"، که ممکن است فاتحه همه ما را بخوانند، دقیقاً یعنی بن بست، بعضی اینکه شما هم حضرت امام مدرس بست فرار گشته اید و کشور



## مسئله بانک مرکزی

## رهنمود برای شرکت در جنگ

ک. ل. از تبران ( ؟ )  
رسیده است :  
" با توجه به رهنمودها -  
رمان در مورد شرکت در جبهه های  
جنگ بطریق کژناگون، اگر هوا -  
داری از طریق نیادهای دولتی  
سهای اعزام به جبهه های جنگ  
در مرز ایران و عراق به جبهه -  
های داخلی ( غرب ) اعزام  
نکرد و حتماً به دنبال نیروی  
ششمرکد غیرواستبه قدرتیای  
سیکا به کومند، بیگار، وحدت  
کمیونیستی و ... قرارش دهند  
عکس العمل اوجیت ؟ رهنمود  
سازگان در این رابطه چه بوده  
و هست ؟"

پاسخ : سیاست سازمان  
عدم شرکت در جبهه های جنگ  
داخلی از جمله در کردستان در  
جبه طرف این جبهه ها بوده و  
سازگان، و هیچک از هواداران  
با زمان، اگر واقعا هوادار  
هستند، بداین جبهه ها نخواهد  
رفت. مسائل داخلی نظیر  
مسئله کردستان مسائل ملی در  
مجموع فرعی در کلیت تضاد -  
هایی است که انقلاب در کشور ما  
با آنجا روبرو است و سرانجام ما  
تکیه بر توده های مردم کرده و  
وحدت تمامی مردم ایران و بس  
نسب سروهای انقلابی و ترقی -  
خواه ها را مدخل خواهد گشت .  
مقدم مراحل این گونه مسائل  
داخلی . حل مسئله قدرت در  
تبران است . بنابراین به  
مسای تا شده انان گروه های  
سحر و آنت سنی نظیر گروه  
" وحدت کمیونیستی " در ایسی  
جبهه ها، که بیمنع بیگانه فصل  
میکنند، بسیارند .

رقبوی از تبران سئوالات  
زیرا در ارتباط شماره ۱۲۱  
" حقیقت " طرح کرده است :  
۱ - " از آنجا که از دعوا  
بر سر کنترل بانک مرکزی سخن  
رفته است به خوانندگان این شپه  
دست سید هد که گویا ما از کنترل  
کنندگان فعلی این بانک  
پشنیانی میکنم. " ( رجوع  
کننده سترن ۲ منجه ۷ همین  
شماره ) .

پاسخ : اگر س مقاله  
شماره ۱۲۱ را دوباره مطالعه  
کنید سوجه خواهد شد، که  
اصولا به تلقین شیئی از این  
شییل تیره اخته هر چند تا آنجا  
که کنترل کنندگان فعلی بانک  
مرکزی در برابر مرتجعین  
حریص حزبی مقاومت کنند هیچ  
اشکالی ندارد که چنین نیبه ای  
بدخواهنده دست دهد. در واقع  
ما چنین مقاومتی را تشویق هم  
خواهیم کرد .

## بورژوازی ملی و کمپرادور

۲ - در این قسمت  
( یعنی ستون ۳ صفحه ۷ ) گفته  
شده است که در دو فغان تمامی  
بخشهای بورژوازی ملی از  
با زرگان تا ... بدین علت  
بلند است که حزب بیون در حال  
پیوند زدن سرمایه داخلی، با  
سرمایه امپریالیستی میباشند.  
تحلیل فوق احتمالاً دزمورد  
بختی از سرورژوازی ملی ایران  
مینوایند تا دق باشد لیکن جناح  
راست این سرورژوازی حدوداً  
وجود چنین بیوسنی جنسندان  
تا رومی سببایستی باشد.  
اساس این دادگان توسط این  
بخش از بورژوازی را میبایستی  
در این جستجو کرد که از حریف در  
حال شکست زیری گرفته باشند ؟

پاسخ : نکته مورد توجه  
مقاله، که اگر دولت کند سوجه  
خواهد شد، اینست که نشان  
دهد که شما حکومتی میساز  
حربانیا شی نظیر با زرگان،  
بنی صدر، جاما و ... با حرکت  
ارتجاعی و انحمار طلبانه  
حزب حاکم در ما هست امرانکا -  
سی از تعداد سان بورژوازی ملی  
( ضمانت حصار ی و غیر کمپرا -  
دور ) و بورژوازی انحصاری و  
کمپرادوری ( هر چند بخاستد )  
میباشند. طعنا مونسبت جناح -  
های مختلف بورژوازی ملی در  
این تضاد یکسان نیست . علاوه  
با به توجه کنید که چه سیاری از  
تضاد منمشکله این گروه بندی  
دلایلی - ارتجایی و ضد ملی  
بورژوازی ( در واقع بورژوا -  
ملکی ) ، که بیما م اسلام و مکتب  
در عرصه اقتصاد دویا ت کنسور  
نیرو گرفته، خود از درون همان  
جناح راست بورژوازی، از درون  
قشر متوسط تجار و غیره، بیرون  
آمده اند .

## اهمیت یا 'امت'

۳ - آیا بهتر نبود تا  
بجای مخاطب قرار دادن " امت "  
امت واقعی را مخاطب قرار  
میدادیم. طرح این نکته س  
امت یعنی جریانهای که در جامعه  
با پیه چندان نداشته و اصولاً  
در این مقطع در سر ربا انها نیز  
نمی باشد چه منظور است . س  
نظر من بهتر این بود تا این  
نکته مطرح شود که این دمنگان  
دادن های منگی شده در روز -  
نامه " امت " نشان ارورود  
محدوپیمان یا عناصری مگلا از  
همین قشای بعنوان یک آلترن  
تا تیورای حذف شفر بوفست  
مردم نسبت به حزب میباشند .

پاسخ : طعنا بر حور  
به شرماتی از تشیل امت  
با نظریه همان امت و انحصاری  
است که صورت میگیرد. و در  
واقع نهاد ریختن دوم سئوال  
خودتان پاسخ خودتان راهم  
داده اید. یعنی طرح اینکه  
" امت " میگوید که خود را بعنوان  
یک " آلترناتیو " طرح کند.  
صحیح است اما ما فکر کردیم  
" امت " در فرموله کردن یعنی  
نظریه های انقلابی فرموله  
کردن برای بخشهایی از جوانان  
شان و روشنفکران سقش ایفا  
میکنند. از این رو سر خوردن  
در جدی متعادل ضرور است .

## سرمقاله

بفید از متحد  
را به نقطه ای گشاده آید که با  
با سد دیوار را نکات و جلورفت  
و ما تسلیم شده ایم و وضع  
سابق برگشت. برای هر زبانی  
بیست یعنی بوجود آمدن  
تراسی که مردم خطر انفجار  
و یا بران شما " عبویت ایلی "  
میروند و امروز با استناد همین  
سخرانی پر غم و غم هم  
میخوان به بدیدار شدن این  
شرایط قانع شد .  
استه ما م میبواند با  
ابد در این بن بست بماند و  
بگوید بن بست نیست، ولی  
مردم ایران در این بن بست  
نخواهند ماند. در جا شمش بود  
زد و هیچکس هم در جا نمیزند،  
با با بدنی به تهی س را داد و  
دوباره بن به بدیگی بیگانه  
و استناد دوفلاکت گذشته داد  
هر چند بر پرده دین باشد یا  
غیر - یا باید س طرز گام  
برداشت و کشور را از بن بست  
و مخمف تا رخی نجات بخشند و  
راه بیتری انقلاب سیمس  
۱۳۳۷ را کشود. در ایستور  
با با زروی لاتنه دارود شده  
ارتجاعی مستند و حجت است  
حاکم یعنی حرب و دولست و  
مجلس و رای دهندگان  
کدایشی سرور کرد .

کردستان

بقیه از صفحه ۲۰

از پاسداری گذراننده، ماشین بوده است، کار به دادگاه می‌کشد. در دادگاه مزبور (دادگاه انقلاب اسلامی) یکی از جاشیا حضور می‌سواد اما می‌کند که پدر مقتول را پیشنا سواد اینکده نامبرده بر دیگری دادگاه پیشمرگه است. رئیس دادگاه همحض شنیدن این مسئله که پسری که پدر مقتول پیشمرگه است دادگاه را تعطیل و پرونده را می‌بندد. اما عمل (پدر مقتول) لاجاحت سخرج می‌دهد و همراهی برای رسیدگی به پرونده مزبور، متوسل می‌گردد، اما نتیجه‌ای نمی‌گیرد. اما با اینصورت دست از تعقیب مسئله برنمی‌دارد تا اینکه در تاریخ ۶۰/۲/۲۴ در خیابان نردوسی و با زهم بوسلده، مانن با ساران به نروتن سمرن دحار سبود. حدوی را دروسای "گیلان" ( نزدیک سنندج ) سرود و دیگر همگی جرت سعتا سن جابت را نسکند و حتی پرونده‌ای هم تکمیل نسکرده. زن بنشول سبرکه دیگرگی را در سهرند! ر دیه روستای " گیلانده " کوچ می‌کند.

۶۰/۳/۶ - ساعت ۱۱/۳۰ چهار رشیدتب، یک سراهی در خانه جاشی سنام محمود مفاخری واقع در خیابان سیروس، محله بیرمحمد، منعجر می‌شود که منجر به تگس شدن نیشده‌های فرد مزبور و همچنین خانه، همابه‌ها می‌گردد. این انفجار رخسارت جاشی نداشیت.

۶۰/۳/۹ - ساعت ۷ بعد از ظهر شبه فردی سنام مالح کالمی سرحاچی احد در خیابان نردوسی - انقلاب پس از چند دقیقه جرو بحث سابک با سدار تصمیم می‌گیرد که از جنگ پاسدار فرار کند. اما پیش از چند قدم از پاسدار دور می‌شود که مورد اصابت گلت کمرب کالیبر ۴۵ پاسدار ترار می‌گردد، نرد سربورد را لکه در خون خود می‌گشتد فریاد می‌زند که من مالح سرحاچی احمد هتم سس از حد لحظا سدار مزبور سارده را به بیمارستان منتقل می‌کند. جزا احت فرد مضروب بسیار شدیدا است و به احتمال زیاد زنده نخواهد ماند. عده‌ای در حدود ۱۰۰ الی ۱۲۰ نفر در محل حادثه جمع شده بودند اما در عین اینکه همه زخم‌برافروخته بودند، بزخمسارهای پراکنده ( مرک بر پاسدار ) اعتراضی صورت نکرقت.

۶۰/۳/۹ - انوبوسی که از سنندج عازم تبریز بود در راه سنندج - دیواندره (سهراد سبجار) در نزدیکی روستای باقلا - آسامورد سار دین پیشمرگه‌ها (کوله‌لند) قرار می‌گیرد و سنام سرتین اتوسر همگی سحرگی نخرکه شخصی بوده همگی پاسدار و ارتشی بودند که همسرا به گروگان برده اند و در این روز در این حادثه درگیری هاشی سن سسمرگه‌ها و سروه‌های دولتی رخ داده سبود.

نکته!

ظریفی از نورالدین کیا روسی نوه، شیخ فضل الله واعظ المصلطین ایدهم الله تعالی برسید: " در اما فاشان اندر بحث آزاد سخوند ساه، سثوالی پیش آمده و تناقضی بچشم خورده. " نورالدین سنا طنز و غمر در جواب گفت: " ما هم همین را می‌گوئیم. نقاط اشتراک فراوانی ما بین ما هست، بفرما تا در جری سده، شریفه، مردم نریب، در سخن برست و با سخ، حواستان را سدهم. " ظریف گفت: " در سوسف آزادی از مجموعا سناد معویه، هدهم سن سسوم وسنار ستن سفل کردید که حق اعتنا پ برای رحمنکشان جزء لاستجرای آزادی احتضاعی است. پس چگونه در سسل روزنامه، مردم سروش با حروفی بزرگ می‌نویسد: اعتصاب نوظفه، ضد انقلاب است. و هسر

جا این رورها کارگران و زحمتکشان اعتصاب کردند، از کارگران شرکت واحد ایران - ساسونال گرفته تا کارگران سدر خمینی ولستان، عمیل آنجا را محکوم کرده و ضدانقلاب - شان خواندند؟ " کیا روسی، بالسخنند سلسی برلت، در حال سکن - برانی گفت: " ما هم همین را می‌گوئیم. شاهت اساسی زبا - دی ما سن عفا پیدا و نظرات شما وجود دارد. شاعروفی منش و پارسی ایرانی، هاتسف اصهان س رحاله علی الاولین والآخرین سسرماسد: دلای سست آر تا کی ساشی. سسرای س بنا بایست که برای کس قدرت و خدیت به ارساب خوس رفی مجاز و ساقض گوئی روست. با حد حیزی می‌کنیم. ما هم همین را می‌گوئیم. نقاط اشتراک فیما بین ما بسیار است. حزب نوده همیشه اینگونه شعارهای مترقی میداده. سبار شرط سسندیم. "

لایه‌ها

بقیه در صفحه ۲۵

اسلامی را بر عهده گیرد و برپا یابد، این تحقیق اقدامات قانونی لازم را در باره این سازمان عمل آورد. " (همانجا) این پیشنهاد "نداشان" (اکثریت) سده معنی است و در عمل چگونه سستوا سدیاده شود؟ این پیشنهاد سسعی اینکه مثلا آقای رسنجان س رئیس مجلس شورای اسلامی، از سسبان سنا سبتدگان سجلس سسشی مکتبی را سسکل از آفابانی سسون علی اکسپرورش، حجت الاسلام معادخواه، سشارتی - سملکی از سا و اکسپا و وارزده‌های خود فروخته - انتخاب کرده تا به حساب این سازمان سوسر سسته، آن، دکتربسشتی، که ارباب خودشان سسز هست رسیدگی نمایند.

ما از قبل به "نداشان" (اکثریت) می‌گوئیم چنانچه آقایان بسشتی و رسنجان س به این پیشنهاد سنا نوحه سکنند و سخواهند در حواست شما را جامه، عمل بیوناسند و سسشتی را ما سسر رسیدگی به حساب " سازمان سشاون اقتصاد اسلامی " سسایند، سنتیحه این همان خواهده سده در باره، " شایعه " سکنجه تحفیق و بررسی سسشدهگیری سعمل آمده سنا هم نتایج را با وقا حست سنام درست، صحیح و واقع سسبانه ارزیابی کردید.

اما ما زکرده سده مسئله، سسبن حدانل سسمزده کارگران، " نداشان" (اکثریت) پس از اینکه سار سسرت سوه استفاده - های ضد انقلابیون و سسرا لیا را سسلم می‌کند، سکار سگران هم رسموده سسلی می‌دهد که جدا می‌کنند و جدا می‌کنند. (اکثریت) وظیفه کارگران را چنین سسرایتان سسرخ سسازد: " اما وظیفه، سسکل های کارگری در قبال این مسئله

بقیه در صفحه ۲۴

حقیقت ارگان

اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید

لايه ها....

بقیه از صفحه ۴۳

در سپاهی...

بقیه از صفحه ۱۲

( حداقل دستمزد ) چیست ؟ کارگران باید قبل از هر چیزی خود را نسبت به این مشکل را تنها در افزایش دستمزدها خلاصه نکنند و جدا این یک برخورد خود به خودی و ساده با مسئله فوق الذکر بوده و گریزی از مشکل نخواهد کند. اگر بنا بر آنست در شرایط کنونی ، پایه های افزایش دست ها را بر این دستمزدها را طرح کنیم و میدان را برای سایر مسائل دستمزدها و قیمت ها باز گذاشتیم ، به تنهایی قیمت ها قابل مینا نخواهد بود ، بلکه نمایندگان سر- مایه داری محال آنرا خواهد داشت با عوام فریبانه و با استدلالاتی و تزویر مدعی سودکده : طلب اصلی تورم افزایش دستمزدها است سرمایه های احتیاری و بررک و سودجویی غارتگرانه ، آمار " ( کار ) ( اکثریت ) شماره ۱۵۵ - ص ۱۸ )

حرکات کارگران بخوانند برای کسب حقوق خود دست مبارزه رسد و همان طئه کارگر در سپاهی آنها روی بویستهای خاشن بدبها نه های مختلف سستی میکنند در مقابل حق طلبی کارگران و رحنکشان میباشند. در همین باب نیز حزب سوده و " فدائیان " ( اکثریت ) در هیاتت به کارگران و زحمتکشان کسوی سخت را از خود سرمایه داران به راستی کدریوده اند. آنگاه کم کارگران مصمم اند برای سود ویژه که بخشی از حقوق آنها است مبارزه کنند این روی بویستها مطرح میکنند " البته سود ویژه حق نیست ، لیکن سایر شرایط و ویژه جنگ از گرفتن آن خود - داری کسید. " آنگاه که کارگران مصمم اند برای بالا بردن سطح دستمزد خود نسبت به تورم و گرانی که عامل اصلی آن همبستن سرمایه داران و دلالان و دولت آنها است مبارزه کنند ، روی بویستهای ریکاریک بیاد مبارزه با حسد خود بخود " مبارزات کارگران افتاده " و " سایر " بین دستمزدها و قیمت متورم اجناس و کالاهای مورد نیاز کارگران را نادرت و غیر منطقی قلمداد و آنرا تحریم میکنند و اظها ر میدارند که امروز کارگران باید برای " ملی کردن تجارت خارجی و تقویت تعاونی های تولید و توزیع " مبارزه کنند. آخر با ایده این فرصت طلبان خاشن به طبقه کارگر کف که کارگران آنگاه و مبارز خوب میدانند که " ملی کردن تجارت خارجی " یا بابت دیگر " دولتی کردن تجارت خارجی " توسط این دولت وزیر چتر آن ، چیزی است نباید " ملی کردن صنعت نفت " توسط شاه مدنون و هیچ دردی از کارگران ، دهها بار و ملت دوا نخواهد کرد.

کارگران آنگاه و مبارز باید در حالیکه هواداران صادقان را مار روی بویستی " فدائیان " ( اکثریت ) را با بحث و اساع سوی انقلاب و ملی انقلابی خود جلب میکنند ، غامبر و توانم ایی جوان مدک رکری ، مد ملی و خاشنا را همجسور غامبر و توانم مل حرب شده خاش ارضیون خویش طرد نمایند. ملی صحیح است " لایه ها بیدارند و آنها میکا رند " ، اما رهبران " فدائیان " ( اکثریت ) سیال روی بویستی میگارند.

حق کشی مسئولان و سرمایه داران میباشند به ما ثولستیا و ضد انقلاب نسبت دهند. ولی حرف رک و پوست کنده شان این بود که اعتبار با یستی شکسته شود و در عوض باید عریضه ، ناله و نندبه و خواهش و تمنا بدرگام سببیم همه بدبختها و فجاج برده شود. در تهران ، مسئولین انتظامی از تماس کمیته موقت اعتبار با کارگران جلوگیری کرده و آنها را عملا در یک اطاق رسان می کنند. بیعت و جودت فرقه در میان کارگران تهران ، خدمات سی درینج توده آنها و اکثریتی ها بد مرتجعین و حاکم بودن جوتیدیدوار عاب ، ادامه اعتبار در آنجا موفقیت آمیز نبود. ادامه مقاومت در کرج هم در گرویا کبری اعتبار در تهران بود زیرا سپهران یک بخش تولیدیست ، در صورتیکه در کرج عمومیا بستهای خدماتی و سسته بندی وجود دارد. سایر و خود یک جنس حوی ، کمیته موقت اعتبار با تنظیم یک قطعاً مد و تعیین میلی برای مسئولی اعصاب را موفنا با شان داد. متن این قطع - نامد و مصیبات مدرج در آن ، مورد ناید و خصوصاً کارگران نرا رکرت ، مضمون تقریبی این لطفا مدحنین بود :

۱ - ما به خدا انقلاب هستیم و نه ستون پنجمی. ما کارگرانی هستیم که برای جواستهای به حقمان دست به اعتماد زده ایم. خواسته های ما عبارتند از

- ۱ - ۲۵ روز سود ویژه
  - ۲ - اذانه دستمزد سالانه بر حسب تورم و گرانی
- ما تا حد اکثر روز سه هفته آینده به شورا مهلت میدهم که مجمع عمومی متشکل از کارکنان تهران و کرج تشکیل دهد تا از طرفی کارگران خواسته های شان را مطرح کنند و از طرفی نمایندگان شورا در مورد بخشها مدو آشین نامه ارتجایی جوا بکوی کارگران باشند. برای نشان دادن اشتراک خود و برای مبارز آوردن بروی شورا ، از روز شنبه روری ۲ ساعت از ساعت ۲ به بعد دست از کار میکشیم و کم کاری میکنیم.

روز شنبه عملاً اعتبار با ادا مدنیافت ولی کولین میان چهره واقعی شورا ، توده ایها ، و توده ایهای خاشکی یعنی فدائیان ( اکثریت ) برای کارگران آشکار شد. مبارزه افت و خیز دارد و هر عدم موفقیت با ایده های باشد برای پیروزیهای آینده. ما امیدواریم کارگران با شراعت و مقاومت و با جمع بندی از مبارزاتشان در کسب حقوق ضایع شده خود از پان نشینند.

بقیه از صفحه ۱۶

اکتور اعضا شورا در فارس سرگشته اند. در مورد اوضاع راینکه حواهد شده فقط اظها رسیدارند که به میدخدا همه چیز درست خواهد شد. آخرین خراس است که سعدا زما زگنت نیز با خوانین و بشارت دیگر و بقول خودشان با گرمسریزنت سبایی گرفتارند و حتی دیده شده که اسلحه و فشنگ بر نو نیر تهیه کرده اند. ما باز هم در این زمینه گزارش خواهیم نمود.

لاله‌ها...

بقیة از صفحه ۲۶

راتامین و تضمین میکنند، درخواست میکنند که ما خود به مبارزه برخیزد. آیا پویان ها، احمدزاده ها و جزئی ها، آن لاله های بیدار، آن انقلابیونی که شما "اکثریتی" ها خود را وارث سنت های پرافتخار آنان و آن خود میسازید، بر نامه شان آب شده بود که زهوی های مجدوم درخواست مبارزه با خیانت های خنای ها و ثابت پیمان ها و اشرف ها و امثالهم را بنمایند؟

در اینجا لازم است به ذکر یک نمونه کوچک از سیاست و عملکرد دولت جمپوری اسلامی در زمینه افزایش تورم و گرانی بپردازیم. دولت جمپوری اسلامی بزرگترین حصار حرماي کشور را در همان دوران تولیدکنندگان حصار است. بنا به گفته شخصی اسامی بشارت بود در منا حصار گارگاری و لوسوزیون، دولت در حال گذشتن محصول را به قیمت هر کیلو ۳۷ ریال از تولیدکنندگان حصار خرید کرده است و اما سال نیز میخواستیم قیمت حصار را حصار خریداری کند. همه میدانند که این کالا بحاطرت نرزی را بودنش بحدود ۳۰ ریال در میان و در حصار و زحمتکاران بدمصرف میرسد، و همه میدانند که قیمت این جنس در بازار هر کیلو ۲۰ تومان است. اگر حصار حمل و نقل و سودیکه دکاندار فروشنده از هر کیلو حصار میبرد رویهمرفته مساوی با قیمت حصار و لید محصول بحساب آوریم، مصرف کننده میبایستی برای هر کیلو حصار حداکثر ۲۰ تومان بپردازد. اما همانطور که گفته شد قیمت حصار در بازار کیلویی ۲۰ تومان است و معلوم نیست ۱۲ تومان ما سقی به جیب جدمکانسی می رود چرمین تجار و محتکرین و دلالان مفتخوری که دولت حصار را زایدست آنان میسازد، بحصار دیگر در خدمت آنان عمل می کند. جالب اینجاست که ما سال دهها سال و تولیدکنندگان حصار حصار خسته اند حصار می تولید شده را هر کیلو ۳۷ ریال به دولت بفروشدند. آنها پول بیشتری را بطلب میکنند و این دولت حصار مستضعفان و در واقع نماینده محتکرین و دلالان و مالکین در حالیکه از هر کیلو حصار حداقل ۲۲ تومان به جیب میزند هنوز حاضر نشده است دیناری بیشتر به دهقانان تولیدکننده بپردازد. در حال حاضر در کشور ما بزرگترین و منسجمترین تشکیلاتی که ما بحیان سرما به های بزرگ تجاری، محتکرین و دلالان بزرگ در آن خود را متشکل ساخته اند سازمانی است بنام "سازمان اقتصاد اسلامی ایران"، "فدائیان" (اکثریت) ایمن سازمان را خوب میشناسند و درباره آن نوشته اند:

"سازمان تعاون اقتصاد اسلامی" جدا از نیات حصار که احیاناً در پی ریزی آن وجود داشته، هم اکنون به پوشش مناسبی برای فعالیت های مخرب و مداخلاتی تحار... محتکران و دلالان مفتخور تبدیل شده است و ارکان سال این سازمان در مقابل اقدامات ترقیحوا ها نه... کار نمکنی میشود. ("کار" (اکثریت) شماره ۱۱۵ ص ۵) بنظر می رسد که "فدائیان" (اکثریت) سر دست همه ایمن صاحبان سرما به های بزرگ تجاری، دلالان بزرگ مفتخور و محتکرین بین مداخلاتی را نیز شناخته است، زیرا که در ادامه نقل قول فوق الذکر چنین می نویسد:

"ما وجود ایمن دکتر بهشتی در ما حصار در مورد ایمن

سازمان اینگونه اظهار نظر میکنند: (نقل قول از مصاحبه بهشتی)  
"این سازمان، سازمان فعالی است که میگوید در ایمن دوره بحار بی حصار های ما را بر آورده کند و عده قاسم ملاحظاتی از اعضای آن از افراد فعالی هستند که در طول سالهای انقلاب فعالیت داشته اند و اشتیاق من ایمن است که اینها با حسن نیت بدین کار دست زده اند، اما راجع بحار بی حصار که آنها اطلاق بدین وقت ایمن کار را هم ندارم که وارد جزئیات آن شوم." (نقل از "کسار" (اکثریت) - شماره ۱۱۱)  
سازمان "فدائیان" (اکثریت) رابطه ایمن سازمان کازنجار، محتکرین و دلالان مفتخور و بزرگ تشکیل شده است را با شخصی اول مملکت اعلیحضرت دکتر بهشتی خوب متوجه شده اند.

قابل توجه مشتریان عزیز که ناز را به نوح روز میخورند!!

## سازمان اقتصاد اسلامی ایران

آرد جهت فروش در تهران و تبریز موجود است

تلفن ۳۰۴۲۰۸ - ۳۱۳۱۹۲

اعلیحضرت نیز در این مصاحبه میگویند که این سازمان اول از افرادی تشکیل شده است که چون خود ایشان در سالهای انقلاب کلی مبارزه کرده اند، و اکنون هم با "حسن نیت" فعالان مشغول کارند تا نیازهای ایشان را بر آورده سازند، یعنی جیب های فراخ و حسابهای سانکی متعدد اعلیحضرت و همبالیکی هاستان را از دسترنج و دستمزد کارگران و زحمتکارانی که خون دل میخوردند تا لقمه نانی بکس آورند، بر سازند. و طبیعتی است اعلیحضرت و تان ایمن را ندانند که وارد مسائل جزئی این سازمان شوند.

لکن "فدائیان" (اکثریت) بر اساس خط مشی خاشا سد روی بر بهشتی که آنها ذکر کرده اند، حتی به صرفه شان نیست که به محبت های رنگ و پوست کنند ولی محبت شان هم کوی فرادهند. ایمن خود را به کویه مشی جیب رده و می نویسد:

"ما بنسباید که بهشتی ز برض مجلس شورای اسلامی تحقق در باره فعالیت های سازمان تعاون اقتصاد بقید در صفحه ۲۶"

فداکاران بیدارند...

فداکاران اکثریت نهال روئینو نیم میکارند!

است مسئولان... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

اما کارگران... این دولت رسیده... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

کج اندیشی: دولت سرچشمه... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

کج اندیشی: دولت سرچشمه... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

کج اندیشی: دولت سرچشمه... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

بالاخره دولت مکتبی... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

درحالتیکه... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

در باره... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

در خصوص... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

در این روزها... کج اندیشی: دولت سرچشمه...

فداکاران... کج اندیشی: دولت سرچشمه...